

گذار حسابرسی داخلی در شرکت های دولتی ایران؛ از کنترل گری سنتی تا مشارکت راهبردی بهروز جنتی فر

۱. دکتری حسابداری، مدیر حسابرسی داخلی شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) bjanatifar@gmail.com

چکیده

این پژوهش به بررسی گذار حسابرسی داخلی در شرکت های دولتی ایران از نقش سنتی کنترل گری به جایگاه مشارکت راهبردی می پردازد. مطالعه موردی شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) نشان می دهد این تحول، فرآیندی سه مرحله ای است: نخست، تدوین گزارش شناخت راهبردی سازمان و تغییر پارادایم؛ دوم، استقرار نظام عملیاتی مبتنی بر ارزیابی ریسک و چارچوب COSO؛ و سوم، نهاده سازی از طریق تبدیل پیشنهادهای واحد حسابرسی داخلی به مصوبات رسمی کمیته حسابرسی. یافته ها بیانگر آن است که این مسیر، ارزش آفرینی در سه سطح حفاظتی، عملیاتی و راهبردی را محقق می سازد.

در سطح حفاظتی، حسابرسی داخلی با افزایش شفافیت و پاسخگویی، اعتماد ذی نفعان را تقویت می کند. در سطح عملیاتی، ارزیابی فرآیندها و ارائه توصیه های اصلاحی به بهبود عملکرد و صرفه جویی در هزینه ها منجر می شود. در سطح راهبردی، مشارکت در تحلیل ریسک های کلان و پشتیبانی از تصمیم سازی مدیریت ارشد، جایگاه حسابرسی داخلی را به عنوان شریک راهبردی تثبیت می کند.

اهمیت مقاله حاضر در ارائه شواهد عینی از این گذار در بافت خاص شرکت های دولتی ایران و طراحی چارچوبی مفهومی برای نهاده سازی نقش راهبردی حسابرسی داخلی است. این چارچوب بر چهار بُعد قانونی-نهادی، ساختاری-سازمانی، حرفه ای-تخصصی و حکمرانی-ارزش آفرینی استوار است و مسیر تکاملی سه مرحله ای را برای ارتقای نقش حسابرسی داخلی ترسیم می کند.

نتایج این پژوهش می تواند به مدیران دولتی، سیاست گذاران و متخصصان حسابرسی داخلی در بازتعریف جایگاه این واحد و بهره گیری از ظرفیت آن در ارتقای حکمرانی و خلق ارزش پایدار یاری رساند.

کلیدواژه: حسابرسی داخلی، شرکت های دولتی، ارزش آفرینی، مشارکت راهبردی، مدیریت ریسک.

به کارگیری هوش مصنوعی در حسابداری داخلی: ارائه چارچوبی برای حاکمیت داده، امنیت سایبری و پیشگیری از تقلب در زیست بوم دیجیتال

مرضیه ضیاء شمس، مصطفی قنبری قلعه رودخانی

1. گروه حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران frymahshms@gmail.com

2. گروه حسابداری، واحد فومن و شفت، دانشگاه آزاد اسلامی، فومن و شفت، ایران mostafa.ghanbari@iau.ac.ir

چکیده

هدف از این پژوهش به کارگیری هوش مصنوعی در حسابداری داخلی: ارائه چارچوبی برای حاکمیت داده، امنیت سایبری و پیشگیری از تقلب در زیست بوم دیجیتال بود. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و دارای ماهیت پیمایشی بود. مصاحبه شوندگان در پژوهش حاضر حسابرسان داخلی شرکت های بورس اوراق بهادار تهران بودند، که بیش از 5 سال سابقه شغلی در این زمینه داشته و دارای مدرک بیش از کارشناسی ارشد بودند و افراد به روش نمونه گیری هدفمند و معیارهای قضاوتی 20 نفر جهت شرکت در مصاحبه و تحلیل داده ها در روش تفسیری ساختاری انتخاب شدند. یافته ها نشان داد 11 عامل (انگیزه و ضرورت استقرار، سطح بلوغ فناوری و زیرساخت، هوش مصنوعی در ارتقای حاکمیت داده، هوش مصنوعی در ارزیابی امنیت سایبری، هوش مصنوعی در پیشگیری و کشف تقلب، یکپارچگی در چارچوب (همگرایی سه حوزه)، الزامات حاکمیتی و اخلاقی، شایستگی های مورد نیاز تیم حسابداری داخلی، چالش های اجرایی و ریسک های ذاتی، معیارهای ارزیابی موفقیت و خروجی ها، نقش حسابرس داخلی در زیست بوم دیجیتال آینده) در ارائه به کارگیری هوش مصنوعی در حسابداری داخلی موثر هستند. بر اساس تحلیل یازده شاخص، می توان نتیجه گیری کرد که موفقیت چارچوب هوش مصنوعی در حسابداری داخلی، نه صرفاً یک مسئله فنی، بلکه یک تحول راهبردی است. این موفقیت، مستلزم طراحی چارچوبی است که از یک سو، بر اساس ضرورت های واقعی کسب و کار و ظرفیت های سازمان شکل گیرد و از سوی دیگر، با ادغام عملی سه حوزه حاکمیت داده، امنیت و تقلب، بینش یکپارچه ای از ریسک ارائه کند. در نهایت، تحقق این چارچوب، وابسته به ایجاد زیرساخت های حاکمیتی و اخلاقی قوی، سرمایه گذاری بر توانمندسازی نیروی انسانی، و تعریف نقش جدید و ماندگار برای حسابداری داخلی در قلب زیست بوم دیجیتال سازمان است.

کلیدواژه: هوش مصنوعی، حسابداری داخلی، حاکمیت داده، امنیت سایبری، پیشگیری از تقلب، زیست بوم دیجیتال.

حسابرسی داخلی هوشمند بانکی با الگوریتم‌های توضیح پذیر کشف ناکارایی و ریسک

کمیل رحیمی پاشاکلائی، رقیه قلی نژاد سیدی

1. دانشجوی دکتری رشته مالی گرایش مهندسی مالی، بانک سپه rahimikomeil@yahoo.com

2. دانشجوی دکتری حسابداری، بانک سپه r.gholinezhad.s@gmail.com

چکیده

این پژوهش چارچوبی نوآورانه برای حسابرسی داخلی هوشمند در نظام بانکی ایران ارائه می کند که بر تلفیق سه رویکرد تحلیل پوششی داده ها (DEA)، یادگیری ماشینی (ML) و هوش مصنوعی قابل توضیح (XAI) استوار است. دلیل اصلی این ترکیب، ناکارآمدی روش های سنتی در مواجهه با حجم و پیچیدگی داده های مالی امروزی و نیاز روزافزون به تصمیم گیری های داده محور است. هدف پژوهش افزایش شفافیت تصمیمات الگوریتمی و ارتقای اثربخشی در شناسایی الگوهای ناکارایی و ریسک های اعتباری است؛ چالشی که در ادبیات جهانی حسابرسی هوشمند نیز مطرح شده است. مدل پیشنهادی با داده های اعتباری مشتریان بانک سپه توسعه یافته و شاخصی ترکیبی با عنوان کارایی-ریسک (RAES) معرفی می کند که خروجی DEA را به عنوان نمایه کارایی نهادی با ریسک اعتباری تلفیق می نماید. این ساختار بر پایه منطق دومرحله ای ارزیابی عملکرد، در ارزیابی تصمیمات اعتباری طراحی شده است. در گام دوم، الگوریتم های یادگیری ماشینی نظیر XGBoost به کار رفته و برای تفسیر الگوهای ریسک از روش های توضیح پذیر مانند SHAP و LIME استفاده شده است که توان تبیین رفتار مدل را از دیدگاه حسابرسان انسانی فراهم می سازد. نتایج نشان می دهد بهره گیری از این چارچوب دقت شناسایی ناهنجاری های عملکردی را به طور متوسط ۱۴٫۷ درصد نسبت به روش های سنتی افزایش داده و شاخص RAES سازگاری بالایی با شرایط واقعی بانک دارد. تحلیل های SHAP حاکی از آن است که متغیرهای «سپرده های بهره دار»، «وام های تجاری» و «امتیاز کارایی DEA» بیشترین سهم را در تعیین ریسک اعتباری دارند. این پژوهش نتیجه می گیرد که رویکرد ترکیبی DEA-ML-XAI می تواند زیربنای علمی و اجرایی مناسبی برای توسعه حسابرسی داخلی داده محور در نظام بانکی ایران باشد و هم راستا با چشم انداز حسابرسی دیجیتال حرکت کند.

کلیدواژه: حسابرسی داخلی هوشمند، یادگیری ماشینی، هوش مصنوعی قابل توضیح.

کاربردها و چالش‌های تحلیل داده در حسابرسی مالی و IT

مهراد محمدی، رشته شیروانی

1. کارشناس حسابرسی فناوری اطلاعات، مدیریت امور بازرسی و حسابرسی داخلی بانک پاسارگاد Mehrad76@gmail.com
2. کارشناس مسئول حسابرسی فناوری اطلاعات، مدیریت امور بازرسی و حسابرسی داخلی بانک پاسارگاد f.shirvani@bpi.ir

چکیده

حرفه حسابرسی به طرز قابل توجهی تحت تأثیر پیشرفت‌های علم تحلیل داده و فناوری‌های نوین قرار گرفته است. این موضوع موجب شده است بسیاری از موانع و محدودیت‌هایی که حسابرسان با آنها مواجه بوده‌اند برطرف گردد. یکی از محدودیت‌های عمده روش‌های سنتی حسابرسی، که اغلب بر جمع‌آوری شواهد و بررسی دستی متکی هستند، ضعف آن‌ها در بررسی کامل پیچیدگی‌های سیستم‌های مالی و فناوری اطلاعات امروزی است. بنابراین، تحلیل داده مبدل به ابزاری ضروری برای حسابرسان شده و برای آن‌ها امکان بررسی تمامی تراکنش‌ها، شناسایی دقیق‌تر ناهنجاری‌ها، کشف تقلب و اطمینان‌بخشی آنی^۱ را فراهم آورده است. این پژوهش با مروری بر مبانی تحلیل داده، معرفی ابزارها و تکنیک‌های مرتبط، و کاربردهای عملی آن‌ها در حسابرسی مالی و فناوری اطلاعات بر بهینه‌سازی روش‌های انطباق با قوانین و مقررات، جلوگیری از تقلب، تقویت امنیت سایبری، بهبود حاکمیت سازمانی و ترویج حسابرسی مستمر تأکید می‌نماید. همچنین، در پایان، به چالش‌هایی نظیر مشکلات جمع‌آوری داده‌های با کیفیت، نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی، دشواری در تفسیر مدل‌های تحلیلی و کمبود متخصصان ماهر پرداخته شده است. نتیجه آنکه، با وجود برخی موانع و چالش‌ها، بهره‌گیری از روش‌های داده‌محور^۲ به حسابرسان کمک می‌کند تا از نقش ناظران صرف فراتر رفته و به مشاوران راهبردی در سازمان‌های پیچیده و مبتنی بر فناوری تبدیل شوند.

کلیدواژه: حسابرسی، حسابرسی فناوری اطلاعات، بلاک چین، تحلیل داده، تقلب.

¹ Anomalies

² Real-time assurance

³ Data-driven methods

تحول دیجیتال، حسابرسی هوشمند و اعتماد دیجیتال: نقش فناوری نوین در روند حسابرسی داخلی

یونس بادآور نهندي، شبنم بالا زاده قره باغي

1 دانشیار، گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (yb_nahandi@yahoo.com)

2 دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (shabnam.garebaghi@gmail.com)

چکیده

فناوری‌های هوش مصنوعی (AI) و مفاهیم تحول دیجیتال موجب ایجاد تغییراتی در فعالیتهای حسابرسی داخلی شده‌اند. این تحول، نحوه کار حسابرسان را تغییر داده و در نتیجه یک نظام ارزشی جدید در فرایندهای حسابرسی ایجاد می‌کند؛ نظامی که همان حسابرسی پشتیبانی‌شده با هوش مصنوعی است. سیستم‌های حسابرسی پشتیبانی‌شده با هوش مصنوعی کمک می‌کنند ریسک‌های بالقوه‌ای که ممکن است در بنگاه‌ها رخ دهد، در مراحل اولیه شناسایی شوند. بدین ترتیب، قابلیت اتکای گزارشگری مالی در بنگاه‌ها افزایش می‌یابد. همچنین زمان مورد نیاز برای شناسایی خطاها و ناهنجاری‌ها در کسب و کارها را به‌طور چشمگیری کاهش می‌دهند و به حسابرسان امکان می‌دهند به جای فعالیتهای تکراری و زمان‌بر، بر فعالیتهای ارزش افزا تمرکز کنند. با این حال، مواردی نظیر تحلیل‌های نادرست در فعالیتهای حسابرسی و مسائل اخلاقی محتمل از جمله پیامدهای منفی ناشی از توسعه فناوری و هوش مصنوعی هستند. افزون بر این، بروز خطراتی مانند تضعیف امنیت و محرمانگی اطلاعات در فعالیتهای حسابرسی ضرورت ایجاد سازوکارهای کنترلی جدید در حوزه سیستم‌های فناوری را آشکار می‌سازد. سیستم‌های هوشمند باید از همان ابتدا با اعتماد دیجیتال درون‌ساخته شده توسعه یابند، نه به عنوان پاسخی به یک حسابرسی در آینده. بنیان اعتماد دیجیتال، ترکیبی از سیستم‌های قابل اعتماد، عملکرد کسب و کار با کیفیت و فرآیندهای طراحی و نظارت کارآمد است. از آنجا که اعتماد دیجیتال به‌طور فزاینده‌ای به یک محرک مهم در تصمیمات مصرف‌کننده تبدیل شده، برای حفظ تاب‌آوری کسب و کار در عصر دیجیتال ضروری است و در آینده تنها حیاتی‌تر خواهد شد. این مطالعه با هدف شناخت تأثیر هوش مصنوعی و سیستم‌های فناوری بر فعالیتهای حسابرسی داخلی، به‌ویژه فرآیند حسابرسی انجام شده است. برای این منظور، بررسی‌های میدانی مبتنی بر ادبیات پژوهشی صورت گرفته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که تحول دیجیتال و هوش مصنوعی باعث می‌شوند عملکرد حسابرسی داخلی کارآمدتر و قابل اعتمادتر شود، اما در عین حال ریسک‌های جدیدی نیز ایجاد می‌کنند.

کلیدواژه: تحول دیجیتال؛ هوش مصنوعی؛ اعتماد دیجیتال؛ حسابرسی داخلی؛ فناوری‌های پیشرفته حسابرسی.

بهره گیری از هوش مصنوعی مولد جهت ارتقای فرآیند حسابررسی داخلی: مطالعه موردی هلدینگ فولادی علی غفاری نافچی ، امین رستمی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران a.ghafari@ase.ui.ac.ir

^۲ استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول a.rostami@ase.ui.ac.ir

چکیده

این پژوهش به بررسی نحوه به کارگیری هوش مصنوعی مولد (به ویژه ChatGPT) در واحد حسابررسی داخلی یک هلدینگ فعال در صنعت فلزات اساسی در بورس اوراق بهادار تهران می پردازد. هدف اصلی، ارزیابی پتانسیل این فناوری در بهبود مستندسازی، ارزیابی ریسک و گزارش دهی حسابررسی در محیطی با پیچیدگی های بالای قانونی و نظارتی است. در این مطالعه، واحد حسابررسی داخلی هلدینگ با اتخاذ تدابیر امنیتی متناسب با زیرساخت های داخلی کشور، از این ابزار در مراحل «برنامه ریزی مبتنی بر ریسک»، «تحلیل بخشنامه ها و مقررات» و «پیش نویس گزارش های حسابررسی» استفاده نموده است. یافته های حاصل از اجرای آزمایشی در پروژه های منتخب نشان می دهد که علی رغم چالش های موجود در پردازش متون تخصصی فارسی و محدودیت های دسترسی به اینترنت، استفاده از این فناوری منجر به افزایش کارایی زمانی در فازهای مستندسازی و چک لیست های کنترلی شده است.

این مقاله ضمن تشریح مزایای عملیاتی، به چالش های خاص بومی نظیر دقت مدل های زبانی در متون فارسی، الزامات حفاظت از داده های مالی و ریسک های عدم قطعیت در زیرساخت های ابری بین المللی می پردازد. در نهایت، راهکارهایی جهت پیاده سازی ایمن و بومی سازی شده دستیار هوشمند حسابررسی در یک صنعت استراتژیک ایران ارائه می گردد.

کلید واژه: هوش مصنوعی مولد، مدل های زبانی بزرگ، حسابررسی داخلی، حاکمیت و ریسک، صنعت فولاد.

نقش حسابداری داخلی در مدیریت ریسکهای ESG

فرهاد فیضی، عبدالحمید رحمانی

1. دانشجوی دکتری، رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه Farhad.feyzi@iau.ac.ir

2. استادیار، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه Rahmani.hamid70@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش حسابداری داخلی در مدیریت و کنترل ریسکهای ESG (محیط زیستی، اجتماعی و حاکمیتی) و تأثیر آن بر عملکرد پایداری سازمانهاست. با توجه به افزایش الزامات جهانی در زمینه گزارش دهی پایداری و ضرورت پاسخگویی شرکتها به ذینفعان، حسابداری داخلی به عنوان یکی از ارکان اصلی حاکمیت شرکتی می تواند نقش حیاتی در شناسایی، ارزیابی و کاهش ریسکهای غیرمالی ایفا کند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و کاربردی است و با رویکرد ترکیبی (کمی و کیفی) انجام شده است. داده های کمی از طریق توزیع پرسشنامه میان ۳۰۰ نفر از مدیران حسابداری داخلی، مدیران ریسک و اعضای کمیته حسابداری در شرکت های فعال در صنایع مالی، انرژی و تولیدی گردآوری شد. همچنین داده های کیفی از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته با ۱۵ مدیر خبره در حوزه ESG استخراج و با روش تحلیل تماتیک تحلیل گردید. نتایج تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که حسابداری داخلی تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت ریسک ESG دارد ($\beta = 0.61, p < 0.001$) و این متغیر از طریق بهبود نظام مدیریت ریسک، موجب ارتقای عملکرد ESG شرکتها می شود. نقش میانجی مدیریت ریسک ESG در رابطه میان حسابداری داخلی و عملکرد پایداری نیز تأیید گردید. علاوه بر این، استقلال کمیته حسابداری و اندازه شرکت به عنوان عوامل تعدیل گر، این رابطه را تقویت کردند. یافته های کیفی نیز حاکی از آن بود که حسابداری داخلی علاوه بر نقش نظارتی، در ایفای نقش مشورتی و ارزش آفرینی در حوزه پایداری سازمانی اهمیت روزافزونی یافته است. این پژوهش نتیجه می گیرد که حسابداری داخلی در صورت ادغام مؤثر با راهبردهای ESG، می تواند ابزاری کلیدی برای ایجاد شفافیت، اعتماد و پایداری در سازمانها باشد و به عنوان یکی از ارکان اصلی حاکمیت شرکتی، نقش راهبردی در شکل دهی آینده ی پایدار شرکتها ایفا کند.

کلید واژه: حسابداری داخلی، مدیریت ریسک، ESG، حاکمیت شرکتی، پایداری سازمانی.

کاربردها و چالش‌های تحلیل داده در حسابرسی مالی و IT

مهراد محمدی، رقیه رنجبر، فرشته شیروانی

1. کارشناس حسابرسی فناوری اطلاعات، مدیریت امور بازرسی و حسابرسی داخلی بانک پاسارگاد Mehrad76@gmail.com
2. کارشناس حسابرسی فناوری اطلاعات، مدیریت امور بازرسی و حسابرسی داخلی بانک پاسارگاد R.ranjbar@bpi.ir
3. کارشناس مسئول حسابرسی فناوری اطلاعات، مدیریت امور بازرسی و حسابرسی داخلی بانک پاسارگاد f.shirvani@bpi.ir

چکیده

فناوری بلاک‌چین با ایجاد دگرگونی در صنعت مالی، لزوم بازنگری و تحول بنیادین در فرآیندهای حسابداری و به‌طور خاص حسابرسی فن آوری اطلاعات را ضروری ساخته است. افزایش اتکای سازمان‌ها به داده‌های دیجیتال و سیستم‌های یکپارچه، چالش‌های جدی و نوینی، همچون دستکاری داده‌ها، پیگیری غیردقیق و عدم شفافیت در شواهد، را برای حسابرسان ایجاد کرده است. فناوری بلاک‌چین با ساختار غیرمتمرکز و نسبتاً پایدار خود، از طریق امکان تأیید اعتبار لحظه‌ای، اشتراک‌گذاری امن داده‌ها و زنجیره‌های عطف خودکار، می‌تواند راه‌حل‌های اثربخشی جهت حل این گونه چالش‌ها ارائه دهد. این مقاله به بررسی اصول بنیادین بلاک‌چین و کاربردهای عملی آن در حسابرسی فناوری اطلاعات می‌پردازد و توضیح می‌دهد که چگونه سیستم‌های دفتر کل توزیع شده می‌توانند قابلیت اطمینان، پاسخگویی و کارایی فرآیندهای حسابرسی را بهینه کنند. با بهره‌گیری از تحولات آکادمیک و صنعتی جاری، این مطالعه مزایا، چالش‌ها و محدودیت‌های بلاک‌چین را بررسی کرده و دورنمایی در مورد روندهای نوظهور، مانند یکپارچه‌سازی بلاک‌چین با هوش مصنوعی و تحلیل کلان‌داده‌ها ارائه می‌دهد. کوشش ما در این پژوهش بر آن است که بلاک‌چین را نه تنها به عنوان یک فناوری نوین، بلکه به عنوان عامل تحول اساسی و بنیادین در حوزه حسابرسی بازتعریف نماییم.

کلیدواژه: حسابرسی، حسابرسی فناوری اطلاعات، بلاک‌چین، تحلیل داده، سیستم دفتر کل توزیع شده.

کشف تقلب حسابرسی داخلی با شبکه‌های مولد تخصصی آیدا فرشیدورد، مهدی بیگی

1. کارشناسی ارشد ریاضی کاربردی دانشگاه امیرکبیر، کارشناس اداره راهبری فناوری اطلاعات و زیرساخت بانک پاسارگاد
a.farshidvard@bpi.ir
2. دکترای حرفه ای (DBA) تحول دیجیتال دانشگاه تهران، رئیس اداره راهبری فناوری اطلاعات و زیرساخت بانک پاسارگاد
m.beygi@bpi.ir

چکیده

کشف تقلب مالی یکی از مهم‌ترین چالش‌های حسابرسی داخلی است که به دلیل پیچیدگی الگوهای تقلب و عدم توازن شدید در داده‌ها، دقت روش‌های متداول یادگیری ماشین را با محدودیت مواجه می‌سازد. در اغلب مسائل کشف تقلب، تعداد داده‌های تقلبی در مقایسه با داده‌های قانونی و غیرتقلبی بسیار ناچیز بوده و این عدم توازن منجر به کاهش توان مدل‌ها در شناسایی صحیح نمونه‌های کلاس اقلیت می‌شود. در این پژوهش، یک چارچوب داده‌محور مبتنی بر هوش مصنوعی برای بهبود عملکرد کشف تقلب در حسابرسی داخلی ارائه شده است. در این چارچوب، ابتدا داده‌های نامتوازن کشف تقلب با استفاده از شبکه‌های مولد تخصصی، به صورت هدفمند متوازن‌سازی می‌شوند؛ به گونه‌ای که با حفظ ساختار آماری داده‌ها نمونه‌های مصنوعی واقع‌گرایانه برای کلاس اقلیت تولید می‌شود. سپس، مدل‌های طبقه‌بندی بر روی مجموعه داده متوازن‌شده آموزش داده می‌شوند. نتایج حاصل از ارزیابی نشان می‌دهد که رویکرد پیشنهادی، در مقایسه با روش‌های مطرح متوازن‌سازی داده‌ها، منجر به بهبود معنادار دقت و توان مدل کشف تقلب می‌شود. یافته‌های این پژوهش بیانگر ظرفیت بالای بهره‌گیری از هوش مصنوعی مولد در ارتقای اثربخشی سیستم‌های حسابرسی داخلی و پشتیبانی هوشمند از تصمیم‌گیری حسابرسان است.

کلیدواژه: داده‌های نامتوازن، کشف تقلب، هوش مصنوعی، شبکه‌های مولد تخصصی.

تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر پایداری گزارشگری مالی با نقش تعدیلگر مدیریت ریسک

شیدا میهمی، رضوان حجازی

1. استاد گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و مالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران.
2. دانشجوی دکترای تخصصی، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد تهران غرب، تهران، ایران

چکیده

پایداری گزارشگری مالی به عنوان یکی از ارکان اساسی شفافیت و اعتماد در بازارهای سرمایه، نقش تعیین کننده ای در تصمیم گیری ذی نفعان ایفا می کند. در این میان، مسئولیت اجتماعی شرکت با نهادهای سازشی پاسخگویی، اخلاق حرفه ای و شفافیت، می تواند زمینه ساز بهبود کیفیت و ثبات اطلاعات مالی در بلندمدت شود. از سوی دیگر، مدیریت ریسک به عنوان سازوکاری کلیدی در حاکمیت شرکتی، بر نحوه انعکاس تعهدات اجتماعی در فرآیندهای گزارشگری مالی اثرگذار است. تعامل میان مسئولیت اجتماعی و مدیریت ریسک می تواند شدت و جهت پایداری گزارشگری مالی را در شرایط عدم اطمینان اقتصادی تعدیل کند. در این پژوهش به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر پایداری گزارشگری مالی با نقش تعدیلگر مدیریت ریسک پرداخته شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بودند و نمونه آماری از طریق روش حذف سیستماتیک از جامعه آماری انتخاب گردید. نمونه آماری متشکل از 183 شرکت در دوره زمانی 1398 تا 1403 و بر اساس مدل رگرسیونی چندگانه و روش اثرات مشترک مدل برآورد گردید. نتایج پژوهش نشان می دهد که مسئولیت اجتماعی شرکت بر پایداری گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد و این تأثیر مثبت است. مدیریت ریسک بر پایداری گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد و این تأثیر مثبت است. و در انتها مدیریت ریسک نقش تعدیلگر در رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت و پایداری گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد و این اثر افزاینده است.

کلیدواژه: مسئولیت اجتماعی شرکت، مدیریت ریسک، پایداری گزارشگری مالی.

تحول دیجیتال در حرفه حسابداری و حسابداری، از جایگزینی تا باز تعریف با استفاده از مدل سمر امیر بیات تله جردی، مجید طاهریان

چکیده

با توجه به شتاب فزاینده فناوری‌های نوظهور و به‌ویژه هوش مصنوعی در تمامی حوزه‌های کسب و کار، حرفه حسابداری و حسابداری نیز در آستانه یک دگرگونی ساختاری قرار گرفته است؛ به نحوی که ادامه مؤثر فعالیت‌ها در آینده ای نه چندان دور، بدون بهره‌گیری از این فناوری‌ها تقریباً غیرممکن است. هدف اصلی این مقاله، بررسی نحوه تحول در حرفه حسابداری و حسابداری در پذیرش هوش مصنوعی و ابزارهای نوین مالی و ترسیم دورنمای تحول آن است. به‌طور مشخص، این پژوهش از مدل سمر، که نخستین بار توسط روبن پوئنتدورا توسعه یافته است را به عنوان یک چارچوب نظری قدرتمند برای تحلیل سطوح و عمق پذیرش فناوری جدید در چهار مرحله (جایگزینی، تقویت، اصلاح و بازتعریف) استفاده می‌کند.

مدل سمر نه تنها وضعیت موجود را توصیف می‌کند، بلکه به عنوان یک نقشه راه برای ادغام مؤثر ابزارهای هوش مصنوعی عمل می‌نماید. این تحول از سطح جایگزینی آغاز شده، یعنی درست جایی که وظایف تکراری نظیر استخراج داده از قراردادها که توسط ابزارهایی چون کوین جی پی مورگان یا اسکن قرارداد توسط ابزار دیلویت آرگاس به‌طور خودکار و با سرعت و دقت بالاتر جایگزین نیروی انسانی می‌شوند و در سطح بازتعریف، خاتمه می‌یابد.

در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که ابزارهای هوش مصنوعی صرفاً یک ابزار نیستند، بلکه یک عامل هستند که به‌طور بالقوه اختیار انسان را بر تصمیمات، سلب یا جایگزین می‌کنند. همان‌طور که هوش مصنوعی به سمت یک هوش بیگانه تکامل می‌یابد و به مداخله انسانی کمتری نیاز دارد. نگرانی‌های جدی در مورد پاسخگویی، شفافیت و کنترل مطرح می‌شود. بنابراین، برای تحقق کامل تأثیر دگرگون‌ساز هوش مصنوعی، سازمان‌ها باید علاوه بر سرمایه‌گذاری در فناوری‌ها، در سرمایه‌گذاری انسانی نیز سرمایه‌گذاری کرده و اطمینان حاصل نمایند که حسابداران و حسابرسان توانایی نظارت انتقادی، اعتبارسنجی خروجی‌ها و مدیریت ریسک‌های اخلاقی ناشی از اعتماد بیش از حد به هوش مصنوعی را دارند. مدل سمر در این راستا، یک نقشه راه مفهومی برای پذیرش پیشرو و مسئولانه این پدیده فراهم می‌آورد.

کلید واژه: فناوری‌های نوظهور، هوش مصنوعی، مدل سمر، تحول دیجیتال.

کاربرد فرآیند کاوی در مدل سه خط به عنوان ابزاری برای اطمینان بخشی

مرتضی اسدی، مینا فرنود احمدی

1. کارشناس ارشد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

mortezaasadi4361@gmail.com

2. دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

mina.farnoudahmadi@iau.ac.ir

چکیده

مدل سه خط (TLM) به عنوان چارچوبی اساسی در راهبری شرکتی و مدیریت ریسک شناخته می شود. با این وجود ارزیابی کمی و عینی کارایی این مدل، به ویژه در خطوط دوم و سوم که متکی بر روش های حسابداری کیفی و نمونه گیری است، با محدودیت هایی مواجه است. مطالعه حاضر با مروری بر ادبیات در حوزه مرتبط، به بررسی کاربرد فناوری فرآیند کاوی در راستای تقویت مدل سه خط به عنوان یک فناوری مبتنی بر داده پرداخته است. فرآیند کاوی با تشخیص و تحلیل سوابق رویداد از سیستم های سازمانی، با دقت بالا اقدام به تشخیص انحراف ها و الگوهای غیرعادی می کند. به طوریکه در خط اول کاربرد فرآیند کاوی از طریق بکارگیری الگوریتم های کشف خودکار فرآیندها، موجب افزایش شفافیت عملیاتی می شود، در خط دوم بکارگیری تکنیک های انطباق سنجی باعث اعتبارسنجی و افزایش کارایی کنترل های داخلی می شود. در خط سوم کاربرد فرآیند کاوی، حساب رسان را قادر می سازد تا به جای اتکا بر ارزیابی ذهنی ریسک، بر تشخیص عینی ناهنجاری ها در جریان فرآیندها تمرکز کنند و موجب اثربخشی کنترل های خط دوم می شود. ادغام فناوری فرآیند کاوی در مدل سه خط باعث ایجاد چارچوب کنترلی پویا و مبتنی بر شواهد می شود که قابلیت حسابداری مستمر را برای مواجهه با ریسک های عملیاتی به طور بنیادین ارتقا می دهد.

کلیدواژه: فرآیند کاوی، مدل سه خط، مدیریت ریسک، حسابداری داخلی، اطمینان بخشی.

مدل یکپارچه حسابررسی فناوری اطلاعات در تصمیم سازی استراتژیک و مزیت رقابتی

سعید مردانی شهر بابک، وحیده مجتهد

1. کارشناس ارشد مهندسی کامپیوتر دانشگاه شهید بهشتی، حسابررسی فناوری اطلاعات بانک سامان sdmardani2@gmail.com
2. کارشناس ارشد مهندسی کامپیوتر دانشگاه پردو ایالات متحده، رئیس اداره حسابررسی فناوری اطلاعات بانک سامان V_Mojtahed@sb24.ir

چکیده

تصمیم سازی استراتژیک مدیران ارشد، بیش از هر زمان دیگری، به کیفیت داده ها، قابلیت اتکای سیستم های اطلاعاتی، امنیت سایبری و هم راستایی سرمایه گذاری های فناوری اطلاعات با اهداف کلان سازمان وابسته است. در این میان، حسابررسی فناوری اطلاعات دیگر صرفاً یک فعالیت کنترلی یا انطباقی تلقی نمی شود، بلکه به یک کارکرد راهبردی و ارزش آفرین در ساختار حاکمیت سازمانی ارتقا یافته است. این مقاله با رویکردی عمیق، تحلیلی و چندبعدی، به بررسی نقش حسابررسی فناوری اطلاعات در ارتقای تصمیم سازی استراتژیک و ایجاد مزیت رقابتی پایدار می پردازد. پژوهش حاضر ضمن مرور جامع ادبیات نظری و چارچوب های بین المللی، مدلی نوآورانه و توسعه یافته با عنوان «مدل یکپارچه اطمینان بخشی ارزش راهبردی فناوری اطلاعات (SIVA)» ارائه می دهد که شامل هشت بُعد کلیدی و بیست و چهار مؤلفه عملیاتی است. یافته های مفهومی مقاله نشان می دهد که به کارگیری راهبردی حسابررسی فناوری اطلاعات می تواند از طریق کاهش عدم اطمینان اطلاعاتی، بهبود حاکمیت فناوری اطلاعات، مدیریت ریسک های دیجیتال، افزایش بلوغ تحلیلی و تقویت چابکی سازمانی، منجر به تصمیم سازی هوشمندانه و خلق مزیت رقابتی پایدار شود.

کلیدواژه: حسابررسی فناوری اطلاعات، تصمیم سازی استراتژیک، مزیت رقابتی پایدار، حاکمیت فناوری اطلاعات.

فناوری های نوظهور هوش مصنوعی و زیست بوم دیجیتال رستم محمودی آلاشتی

1. دکتری حسابداری دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، کارمند بانک اقتصاد نوین مدرس دانشگاه

rostammahmoodi@yahoo.com

چکیده

هدف این مقاله با هدف بررسی مبانی نظری و مفهومی هوش مصنوعی نوظهور و تحلیل جایگاه راهبردی آن در شکل دهی، پویایی و ارتقای زیست بوم دیجیتال انجام شده است. روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع نظری و تحلیلی است که با روش توصیفی-تبیینی و با اتکا به مطالعات کتابخانه ای و مرور نظام مند ادبیات موضوع، به واکاوی مفاهیم کلیدی، سیر تحول و پارادایم های حاکم بر هوش مصنوعی نوظهور و زیست بوم دیجیتال می پردازد. یافته ها نشان می دهد هوش مصنوعی نوظهور، با گذار از رویکردهای نمادین به سمت یادگیری ماشین و سیستم های تطبیقی شبه خودمختار، به عاملی شناختی و تحول آفرین در زیست بوم دیجیتال تبدیل شده است. این فناوری با ایفای نقش «مغز سیستم» در لایه های مختلف زیست بوم دیجیتال (زیرساختی، پلتفرمی، داده ای و کاربردی)، موجب ارتقای قابلیت های تحلیل، پیش بینی، تصمیم سازی و شخصی سازی خدمات شده است. همچنین، هوش مصنوعی محرک اصلی گذار از اقتصاد دیجیتال به اقتصاد هوشمند، بازآفرینی مدل های ارزش آفرینی و تحول در حکمرانی دیجیتال به سمت رویکردهای داده محور و پیش نگر است. نتیجه گیری، هوش مصنوعی نوظهور نه به عنوان یک فناوری فرعی، بلکه به مثابه زیرساخت شناختی و راهبردی زیست بوم دیجیتال عمل می کند که ظرفیت تبدیل داده به دانش، یکپارچه سازی تعاملات و ارتقای تاب آوری سیستم را فراهم می سازد. با این حال، بهره گیری از این قابلیت ها مستلزم توجه جدی به چالش های اخلاقی، حقوقی و حکمرانی نظیر شفافیت، مسئولیت پذیری، عدالت الگوریتمی و حفظ حریم خصوصی است. بنابراین، تدوین چارچوب های نظری و سیاستی یکپارچه برای هموارسازی مسیر توسعه مسئولانه و پایدار زیست بوم های دیجیتال هوشمند ضروری است.

کلید واژه: هوش مصنوعی نوظهور، زیست بوم دیجیتال، تحول دیجیتال، یادگیری ماشین، حکمرانی هوش مصنوعی، اقتصاد هوشمند.

عنوان مقاله: تحول نقش حسابرسی داخلی در سازمان‌های مدرن؛ از کارکرد کنترلی تا ارزش آفرینی راهبردی

سمیه امینی خضرو^۱، حیدر محمدزاده سالطه^۲، مهدیه بخشیان^۳، غلامرضا حافظی^۴

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران s.s.amini@gmail.com

^۲ دانشیار گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران H_salteh@iau.ac.ir

^۳ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران shinyconsience1377@gmail.com

^۴ گروه مکاترونیک، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران hafezig@gmail.com

چکیده

حسابرسی داخلی در دهه‌های اخیر دستخوش تحولات عمیقی شده و از یک فعالیت صرفاً کنترلی و گذشته‌نگر، به ابزاری راهبردی برای بهبود حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک و خلق ارزش پایدار تبدیل شده است. هدف این مقاله، بررسی تکامل مفهومی و کارکردی حسابرسی داخلی و تبیین نقش نوین آن در سازمان‌های امروزی است. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی-توصیفی و با اتکا بر ادبیات نظری و تحولات حرفه‌ای، نشان می‌دهد که حسابرسی داخلی مدرن با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، رویکرد آینده‌نگر و تمرکز بر ریسک‌های غیرمالی، می‌تواند نقش مؤثری در افزایش شفافیت، بهبود تصمیم‌گیری مدیریتی و ارتقای اعتماد ذی‌نفعان ایفا کند. نتایج این مطالعه بیانگر آن است که اثربخشی حسابرسی داخلی بیش از هر چیز به استقلال حرفه‌ای، کیفیت قضاوت حسابرسان و جایگاه آن در ساختار راهبری سازمان وابسته است.

کلید واژه: حسابرسی داخلی، مدیریت ریسک، حاکمیت شرکتی، ارزش آفرینی، حسابرسی نوین.

تحلیل نقش حسابداری داخلی در ارتقاء راهبری شرکتی بر اساس مدل سه خطی مؤسسه IIA سیروس بیات

1. کارشناسی ارشد مدیریت مالی، مسئول شعبه بانک پاسارگاد s.bayat@bpi.ir

چکیده:

راهبری شرکتی به عنوان یکی از ارکان کلیدی موفقیت سازمان‌ها، به ویژه در نهادهای مالی و بانکی، نیازمند سازوکارهای نظارتی و کنترلی اثربخش است. حسابداری داخلی در این میان نقش مهمی در ارتقاء شفافیت، پاسخ‌گویی و اعتماد سازمانی ایفا می‌کند. مؤسسه حسابرسان داخلی (IIA) در سال 2020 مدل سه خطی را به عنوان چارچوبی نوین برای تعامل میان مدیریت، کنترل‌های داخلی و حسابداری معرفی کرد. پژوهش حاضر با رویکرد پژوهشی توصیفی و مبتنی بر مرور نظام‌مند منابع علمی داخلی و خارجی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که جایگاه حسابداری داخلی در بسیاری از سازمان‌های ایرانی هنوز با مدل سه خطی فاصله دارد و نیازمند بازتعریف نقش‌ها، تقویت استقلال، و آموزش تخصصی است. در نتیجه، پیاده‌سازی صحیح این مدل می‌تواند به ارتقاء راهبری شرکتی، بهبود مدیریت ریسک و افزایش اعتماد ذی‌نفعان منجر شود.

کلید واژه: حسابداری داخلی؛ راهبری شرکتی؛ مدل سه خطی IIA؛ مدیریت ریسک؛ شفافیت سازمانی.

استانداردهای نوین گزارشگری پایداری و پیامدهای آن برای حسابداری سبز

علی لعل بار، مانا نعمتی

1. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران، نویسنده مسئول alilalbar@iau.ac.ir

2. دانشجوی کارشناسی ارشد، حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران nemati.m@ikorc.ir

چکیده

هدف این مقاله مروری، تبیین تحول پارادایمی گزارشگری مالی سنتی به گزارشگری پایداری و تحلیل پیامدهای آن برای توسعه و نهادینه سازی حسابداری سبز است. در این راستا، پژوهش حاضر می کوشد با مرور نظام مند ادبیات علمی بین المللی، منطق شکل گیری استانداردهای نوین گزارشگری پایداری، کارکردهای آن ها در پاسخگویی و تصمیم گیری و نقش آن ها در بازتعریف جایگاه حسابداری سبز را مورد بررسی قرار دهد. روش تحقیق از نوع مروری - تحلیلی است و بر پایه تحلیل و تلفیق یافته های پژوهش های منتشر شده در مجلات علمی پژوهشی معتبر خارجی پس از سال ۲۰۱۵ انجام شده است. در این مقاله، مطالعات منتخب به صورت مقایسه ای و مفهومی بررسی شده اند تا روندهای غالب، نقاط همگرایی و پیامدهای نظری و عملی استانداردهای نوین گزارشگری پایداری استخراج شود. نتایج کلی مرور ادبیات نشان می دهد که گذار از گزارشگری مالی به گزارشگری پایداری، بیانگر تغییری بنیادین در مفهوم ارزش آفرینی و پاسخگویی شرکتی است؛ به گونه ای که اطلاعات زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در کنار اطلاعات مالی، به عناصر تعیین کننده در ارزیابی عملکرد و پایداری شرکت ها تبدیل شده اند. استانداردهای نوین گزارشگری پایداری با تأکید بر افشای ریسک ها و فرصت های غیر مالی، تلفیق اطلاعات مالی و غیر مالی و افزایش شفافیت، نقش مهمی در ارتقای کیفیت گزارشگری و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ایفا می کنند. در این چارچوب، حسابداری سبز از یک ابزار محدود برای ثبت هزینه های زیست محیطی، به یک رویکرد راهبردی برای مدیریت ریسک های محیط زیستی، پشتیبانی از تصمیم گیری های مدیریتی و خلق ارزش پایدار ارتقا یافته است. به طور کلی، یافته ها نشان می دهد که استانداردهای نوین گزارشگری پایداری، بستر لازم برای نهادینه سازی حسابداری سبز و تقویت نقش آن در تحقق توسعه پایدار و حکمرانی شرکتی مسئولانه را فراهم کرده اند.

کلید واژه: گزارشگری پایداری، استانداردهای نوین، حسابداری سبز.

فرهنگ سازمانی، رهبری اخلاقی و چابکی کسب و کار

رستم محمودی آلاشتی

۱. دکتری حسابداری دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، کارمند بانک اقتصاد نوین مدرس دانشگاه:

rostammahmoodi@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در شرایط کنونی، سازمان‌ها برای بقا و رشد در محیط‌های پیچیده و پرچالش نیازمند تلفیق سه مؤلفه کلیدی هستند: فرهنگ سازمانی، رهبری اخلاقی و چابکی کسب و کار. فرهنگ سازمانی به عنوان زیربنای ارزش‌ها و هنجارهایی را فراهم می‌آورد که رفتار رهبران و کارکنان را هدایت می‌کند؛ رهبری اخلاقی با تصمیم‌گیری‌های عادلانه و شفاف اعتماد و انگیزه کارکنان را تقویت می‌نماید؛ و چابکی کسب و کار توانایی سازمان در واکنش سریع به تغییرات محیطی و بهره‌گیری از فرصت‌ها را افزایش می‌دهد. این سه عامل در کنار هم می‌توانند مزیت رقابتی پایدار برای سازمان‌ها ایجاد کنند و مسیر توسعه بلندمدت را هموار سازند.

هدف این پژوهش بررسی رابطه میان فرهنگ سازمانی، رهبری اخلاقی و چابکی کسب و کار بوده است. روش تحقیق بر پایه مطالعات نظری و مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی شکل گرفته و نتایج نشان داده‌اند که عدالت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نوآوری و شفافیت از عوامل کلیدی موفقیت سازمان‌ها هستند. یافته‌ها بیانگر آن است که مقاومت فرهنگی، ضعف در رهبری اخلاقی و ساختارهای سخت از مهم‌ترین چالش‌ها محسوب می‌شوند. در نهایت، پیشنهاد می‌شود مدیران با تقویت فرهنگ اخلاقی، توسعه رهبری اخلاقی و بازطراحی ساختارهای منعطف، زمینه تحقق چابکی کسب و کار را فراهم کنند و پژوهشگران نیز مدل‌های تلفیقی جدید و نقش فناوری‌های نوین را مورد بررسی قرار دهند.

کلیدواژه: فرهنگ سازمانی، رهبری اخلاقی، چابکی کسب و کار، اعتماد، نوآوری.

نقش تعدیلی اندازه شرکت بر رابطه خوانایی گزارش حسابرسان و شفافیت و قابلیت درک صورت های مالی

علی سردار انطیقه چی، علیرضا مهرآذین، امیر شمس، زهرا نوری

1. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

2. دانشیار گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. *نویسنده مسئول: Alireza.mehrzaeen@iau.ac.ir

2. استادیار گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

2. استادیار گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

چکیده

خوانایی گزارش های مالی یکی از شاخص های کلیدی کیفیت افشا و شفافیت در بازارهای سرمایه است. صورت های مالی و گزارش حسابرس، دو منبع اصلی اطلاعات برای استفاده کنندگان هستند و سهولت درک این گزارش ها می تواند رفتار سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و تحلیل گران مالی را تحت تأثیر قرار دهد. در سال های اخیر توجه پژوهشگران به کیفیت متنی گزارش ها افزایش یافته و خوانایی به عنوان یکی از معیارهای مهم کیفیت گزارشگری مالی شناخته شده است. با وجود اهمیت فراگیر این موضوع، چگونگی ارتباط میان خوانایی گزارش حسابرس و خوانایی صورت های مالی هنوز به طور کامل بررسی نشده است. به ویژه نقشی که اندازه شرکت می تواند به عنوان یک متغیر تعدیل کننده در این رابطه ایفا کند، در این راستا، داده های 130 شرکت بورسی در بین سال های 1394 الی 1401 با استفاده از نرم افزار اقتصادسنجی Eviews مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، نتایج این مقاله نشان می دهد که شرکت های بزرگ به دلیل پیچیدگی عملیات، ساختارهای سازمانی گسترده، حجم بالای افشا و استفاده بیشتر از اصطلاحات فنی و تخصصی، صورت های مالی پیچیده تری ارائه می دهند. از سوی دیگر گزارش حسابرس نیز به دلایل مذکور از خوانایی کمتری برخوردار هستند؛ به همین دلیل، اندازه شرکت می تواند رابطه میان خوانایی گزارش حسابرس و خوانایی صورت های مالی را تقویت کند، زیرا هر دو تحت تأثیر پیچیدگی ناشی از بزرگی شرکت هستند، مقاله حاضر با بهره گیری از ادبیات روز، مدل نظری جامع و فرضیات آزمون پذیر، تلاش می کند نقش متفاوت اندازه شرکت بر رابطه بین دو نوع خوانایی را تبیین کرده و پیامدهای آن را برای حرفه حسابداری، مدیران و مقررات گذاران بررسی کند.

کلید واژه: خوانایی گزارش حسابرس؛ خوانایی صورت های مالی؛ اندازه شرکت.

چارچوب یکپارچه حسابرسی داخلی مبتنی بر هوش مصنوعی در مدیریت ریسک‌های نوظهور

و ارتقای چابکی کسب و کار با رویکرد مدل سه خطی ESG

پیام پیرایش شیرازی

payam.pirayesh.shirazi@gmail.com

چکیده

در دهه‌های اخیر، ظهور ریسک‌های نوظهور مرتبط با پایداری، تغییرات اقلیمی و الزامات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG)، جایگاه حسابرسی داخلی را در سازمان‌ها متحول ساخته است. با وجود اهمیت فزاینده، حسابرسی داخلی سنتی در مواجهه با پیچیدگی و عدم قطعیت محیطی، محدودیت‌هایی دارد. از سوی دیگر، توسعه فناوری‌های نوظهور به ویژه هوش مصنوعی، فرصت‌های تازه‌ای برای ارتقای نقش استراتژیک حسابرسی داخلی فراهم آورده است. پژوهش حاضر با هدف ارائه یک چارچوب یکپارچه برای حسابرسی داخلی مبتنی بر هوش مصنوعی انجام شده است تا بتواند ضمن مدیریت ریسک‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، به ارتقای چابکی کسب و کار در شرکت‌های ایرانی کمک نماید. چارچوب پیشنهادی بر اساس مدل سه خطی انجمن حسابرسان داخلی، طراحی گردیده و بر آن است تا با ترکیب ظرفیت‌های تحلیلی هوش مصنوعی با سازوکارهای حاکمیت شرکتی، ارزش‌آفرینی حسابرسی داخلی را افزایش دهد. روش تحقیق ترکیبی از مرور ادبیات، طراحی مدل مفهومی و تحلیل داده‌های میدانی در میان شرکت‌های ایرانی است. انتظار می‌رود یافته‌ها نشان دهد که استفاده از هوش مصنوعی در حسابرسی داخلی، توان شناسایی و مدیریت ریسک‌های ESG را به طور معناداری افزایش داده و این امر از طریق ارتقای شفافیت، سرعت تصمیم‌گیری و هماهنگی میان خطوط دفاعی، منجر به چابکی بیشتر کسب و کارها می‌شود. نتایج این تحقیق می‌تواند به مدیران، حسابرسان داخلی و سیاست‌گذاران کمک کند تا نقش حسابرسی داخلی را از یک ابزار کنترلی به یک عامل استراتژیک در مسیر رقابت‌پذیری و پایداری سازمانی ارتقا دهند.

کلید واژه: حسابرسی داخلی^۴، هوش مصنوعی^۵، ریسک‌های نوظهور ESG^۶، چابکی کسب و کار^۷، مدل سه خطی IIA^۸، ارزش‌آفرینی سازمانی^۸

^۴ - Internal Audit

^۵ - Artificial Intelligence

^۶ - Emerging ESG Risks (ESG stands for Environmental, Social, and Governance)

^۷ - Business Agility

^۸ - Organizational Value Creation or Organizational Value Add

ادراک حسابرسان داخلی از بسترهای عملیاتی استقرار و گزارشگری پایداری

الهه احمدی امین، علی رحمانی، زهرا کرمی

1. دکتری حسابداری، دانشگاه الزهراء، ahmadiamin.elaheh@gmail.com

2. استاد حسابداری دانشگاه الزهراء، Rahmani@alzahra.ac.ir

3. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه الزهراء، ayataykarami@gmail.com

چکیده

پایداری بر ارائه یک دید کلی از واحد تجاری مبتنی بر چارچوب‌های مالی، زیست محیطی، اجتماعی و روابط هم افزای آن‌ها در ایجاد ارزش سازمانی متمرکز می باشد و گزارشگری آن بیانگر استراتژی، راهبری، عملکرد و چشم اندازهای یک سازمان در این زمینه است. در این پژوهش بسترهای نهادی و عملیاتی استقرار و گزارشگری پایداری از دیدگاه حسابرسان داخلی مورد توجه قرار گرفته است زیرا این اشخاص دارای دیدگاه کل نگر در سازمان بوده و به استقرار فرآیندها در سازمان، سیستم ها، کنترل ها و کل زنجیره ارزش آشنا می باشند و دارای دانش به روز مالی و غیر مالی بوده و از ریسک های عدم توجه به پایداری آگاه هستند و با توجه به آن که به واسطه موضوعات نوینی همچون پایداری می توانند در سازمان ارزش آفرینی نمایند و یکی از موضوعات مورد توجه آن ها در آینده خواهد بود لذا دیدگاه این افراد مورد توجه قرار گرفته است. حسابرسان داخلی پیش نیازهای استقرار پایداری را ناشی از عوامل مربوط به سازمان ها، آگاهی در جامعه، زیرساخت های اطلاعاتی، شرایط کلان، تاثیر نهادهای حرفه ای و ویژگی های افراد بیان نموده اند. فرهنگ سازی در سازمان، پذیرش تغییر و مشارکت تمامی واحدها، بزرگ بودن اندازه شرکت، تعبیه پایداری در ماموریت و اهداف سازمان و جاری شدن آن در بطن کارها، متعالی بودن سطح بلوغ سازمان، ایجاد انگیزه در کارکنان، اختصاص منابع مالی، الگوبرداری، آموزش، درخواست ذینفعان و بلوغ در زنجیره ارزش، ارائه واکنش از سوی جامعه به اقدامات و گزارشات بخشی از بسترهای مهم جهت حرکت به سمت پایداری بوده است. علاوه بر آن سیستم ها، داده های عینی، شاخص های مالی و غیر مالی، ایجاد الزام و قوانین، افزایش جرائم تخطی، ارتباطات بین المللی، تاثیر نهادهای حرفه ای جهت ارائه معافیت ها و مشوق ها و تدوین دستورالعمل و استانداردها، برگزاری دوره های آموزشی و پارادایم فکری مبتنی بر پایداری مدیران و اعضا هیات مدیره به عنوان پیش نیازهای استقرار و گزارشگری پایداری عنوان شده اند.

کلید واژه: پایداری، استقرار پایداری، گزارشگری زیست محیطی و اجتماعی، حسابداری داخلی.

تأثیر اتوماسیون هوشمند فرآیند بر حسابرانی و مهارت‌های حساب‌رسان تازه کار

کاوه پرندین

kparandin@pnu.ac.ir

چکیده

اتوماسیون هوشمند فرآیند با تلفیق فناوری‌هایی همچون هوش مصنوعی، یادگیری ماشین و اتوماسیون فرآیند رباتیک، به عاملی تحول‌ساز در حوزه حسابرانی تبدیل شده است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیرات اتوماسیون هوشمند فرآیند بر فرآیندهای حسابرانی و مهارت‌های مورد نیاز حساب‌رسان تازه کار و با استفاده از روش مرور ادبیات انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اتوماسیون هوشمند فرآیند با خودکارسازی وظایف تکراری و پیچیده، منجر به افزایش دقت، سرعت و کارایی در فرآیندهای حسابرانی شده و امکان پردازش حجم انبوهی از داده‌های ساختاری، نیمه‌ساختاری و غیرساختاری را فراهم می‌آورد. در نتیجه، نقش حساب‌رسان از انجام وظایف عملیاتی به سمت تحلیل داده‌ها، ارائه مشاوره استراتژیک و نظارت بر سیستم‌های هوشمند تغییر یافته است. این تحول، نیازمند توسعه مهارت‌های جدید در حساب‌رسان تازه کار شامل مهارت‌های فنی (هوش مصنوعی، تحلیل داده، برنامه‌نویسی)، تحلیلی (تفکر انتقادی، حل مسئله) و مهارت‌های نرم (ارتباطات، کار تیمی) است. با این حال، چالش‌هایی از قبیل مقاومت کارکنان، یکپارچه‌سازی با سیستم‌های قدیمی و ملاحظات اخلاقی، پیاده‌سازی موفق این فناوری را با دشواری مواجه ساخته است. نتیجه‌گیری کلی پژوهش حاکی از آن است که با بازنگری در برنامه‌های آموزشی، توسعه زیرساخت‌ها و مدیریت تغییر، می‌توان از ظرفیت‌های اتوماسیون هوشمند فرآیند برای ارتقای کیفیت و کارایی حسابرانی در عصر دیجیتال بهره برد.

کلید واژه: اتوماسیون فرآیند رباتیک، اتوماسیون هوشمند فرآیند، فناوری‌های نوظهور در حسابرانی، مهارت‌های مورد نیاز حسابداران

تحول دیجیتال حسابداری بخش عمومی ایران با رویکرد نهادی-مرحله‌ای

فرهاد شاه ویسی^{۱*}، دنیا کاظمی^۲

۱. استادیار گروه آموزشی حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و حسابداری دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، f.shahveisi@razi.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و حسابداری، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، kazemidonya95@gmail.com

چکیده

تحول دیجیتال یکی از مهم‌ترین روندهای معاصر است که ماهیت، دامنه و روش‌شناسی حرفه حسابداری را به‌طور بنیادین دگرگون ساخته است. رویکردهای سنتی حسابداری مبتنی بر نمونه‌گیری محدود، فرایندهای دستی و قضاوت‌های پسینی، در مواجهه با حجم انبوه داده‌ها، پیچیدگی فعالیت‌های اقتصادی و افزایش ریسک تقلب، کارایی و اثربخشی لازم را از دست داده‌اند. در مقابل، توسعه فناوری‌هایی نظیر هوش مصنوعی، تحلیل کلان‌داده‌ها، بلاک‌چین و اتوماسیون فرایندهای رباتیک، زمینه تحقق حسابداری هوشمند، مستمر و داده‌محور را فراهم کرده است.

با توجه به جایگاه سازمان حسابداری ایران به‌عنوان نهاد حاکمیتی ناظر بر حسابداری بخش عمومی و آغاز رسمی برنامه‌های تحول دیجیتال، تبیین یک چارچوب بومی و منسجم برای این گذار ضروری به نظر می‌رسد. هدف این پژوهش، ارائه یک چارچوب تحلیلی-مفهومی به‌منظور شناسایی ابعاد، الزامات و مراحل تحول دیجیتال حسابداری متناسب با شرایط نهادی سازمان حسابداری ایران است. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی-مفهومی و از طریق سنتز انتقادی نظام‌مند ادبیات علمی، استانداردهای حرفه‌ای و اسناد سیاستی، به استخراج و صورت‌بندی یک چارچوب مرحله‌ای تحول دیجیتال حسابداری متناسب با شرایط نهادی سازمان حسابداری ایران پرداخته است.

تحول دیجیتال حسابداری بیش از آن‌که یک فرایند فناورانه باشد، پدیده‌ای نهادی و انسان‌محور است که موفقیت آن به هم‌راستایی تدریجی فناوری، سرمایه انسانی، اخلاق حرفه‌ای و چارچوب‌های مقرراتی وابسته است. از این منظر، چارچوب پیشنهادی می‌تواند مبنایی برای گذار راهبردی نهادهای حسابداری بخش عمومی در اقتصادهای در حال توسعه فراهم آورد.

کلیدواژه: تحول دیجیتال، حسابداری، سازمان حسابداری ایران، حسابداری هوشمند، بلاک‌چین، حاکمیت شرکتی.

خط سوم دفاعی و شفافیت گزارشگری بانکی

امید قاسمی پور، علیرضا نجف پور کردی، رضا رضایی حسین آبادی، ابراهیم علیپور نوشری، امیر حسین فتح نژاد

1. دانشجوی دکتری موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، بازرس ویژه بانک سپه (نویسنده مسئول) e-mail: Ghasemipuromid@gmail.com
2. دکتری حسابداری، عضو هیات عامل و معاون بازرسی بانک سپه e-mail (Phd.nadjafpour@gmail.com)
3. کارشناسی ارشد حسابداری، رئیس اداره کل بازرسی غیرحضور بانک سپه e-mail reza_rezaie@yahoo.com
4. کارشناسی ارشد ریاضی، معاون پایش سیستمی تسهیلات بانک سپه e-mail Ebrahim.alipour.n@gmail.com
5. کارشناسی ارشد مدیریت، بازرس اداره کل بازرسی غیرحضور بانک سپه e-mail: Amirhosseinfathnezhad@gmail.com

چکیده

کیفیت گزارشگری مالی در بانک‌ها یکی از پایه‌های اعتماد عمومی، کارایی بازار سرمایه و ثبات مالی است و ضعف آن می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی، هزینه تأمین مالی و ناکارایی سیاست‌های نظارتی را تشدید کند. این پژوهش با تمرکز بر «پیکربندی نظارتی و کارکرد خط سوم دفاعی» بررسی می‌کند که تقویت سازوکارهای اطمینان‌بخشی داخلی چگونه شفافیت و سلامت اطلاعات مالی بانک‌ها را بهبود می‌دهد و فضای مدیریت تعهدی را محدود می‌کند. جامعه آماری شامل بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ است که با معیار دسترسی به اطلاعات و تداوم فعالیت، داده‌های ۱۰ بانک انتخاب شد. داده‌ها از صورت‌های مالی حسابرسی‌شده و افشاهای رسمی استخراج و در چارچوب رگرسیون چندمتغیره داده‌های تابلویی با اثرات ثابت برآورد شد. متغیر وابسته (کیفیت گزارشگری مالی) با اتکا به اقلام تعهدی اختیاری محاسبه‌شده از مدل جونز تعدیل‌شده (۱۹۹۱) سنجیده شد (به صورت شاخص معکوس کیفیت). متغیر توضیحی اصلی، نماینده‌ای از گستره فعالیت مالی بانک (لگاریتم مجموع دارایی‌ها) و متغیر تعدیل‌گر، شاخص ترکیبی پیکربندی نظارتی/بلوغ خط سوم دفاعی (MAN) است؛ همچنین سن حضور در بازار سرمایه، اهرم مالی و بازده دارایی‌ها به عنوان متغیرهای کنترلی وارد مدل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد گستره فعالیت مالی با کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت دارد و مهم‌تر آن که ضریب متغیر تعاملی $(FS \times MAN)$ مثبت و معنادار است؛ به بیان دیگر، هرچه خط سوم دفاعی فعال‌تر و سازوکارهای نظارتی ساختاریافته‌تر باشند، اثر مطلوب گستره فعالیت مالی بر شفافیت و سلامت اطلاعات مالی تقویت و رفتار تعهدی فرصت‌طلبانه محدودتر می‌شود. نتایج پژوهش بر ضرورت تقویت جایگاه حسابرسی داخلی، ارتقای معماری کنترل‌های داخلی و حرکت به سمت نظارت مبتنی بر ریسک اطلاعاتی در بانک‌ها دلالت دارد و می‌تواند در طراحی الزامات نظارتی و ارزیابی سلامت اطلاعاتی شبکه بانکی مورد استفاده نهاد ناظر و مدیران بانکی قرار گیرد. همچنین یافته‌ها برای سرمایه‌گذاران، حساب‌سازان و کمیته‌های ریسک در تفسیر کیفیت افشاهای بانکی کاربرد دارد.

کلید واژه: خط سوم دفاعی، حسابرسی داخلی، کنترل‌های داخلی، شفافیت گزارشگری مالی، ریسک اطلاعاتی.

سبزشویی و ویژگی های افشاء در گزارشگری پایداری: نقش تشدیدکننده در شکاف اهمیت

مرتضی کاظم پور^۱، الیاس طهماسبی^۲

۱. عضو هیات علمی گروه حسابداری دانشکده علوم مالی، دانشگاه خوارزمی تهران، M.kazempour@khu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابرسی دانشکده علوم مالی، دانشگاه خوارزمی تهران، ElyasTahmasbi@khu.ac.ir

چکیده

گسترش اطمینان بخشی داوطلبانه بر افشاگری های پایداری شرکت ها و شروع الزام قانونی این اطمینان بخشی توسط نهادهای ناظر، در ک عواملی که بر قضاوت های اهمیت در گزارشگری پایداری تأثیر می گذارند می تواند به حسابرسان کمک کند تا اطلاعات پایداری را مؤثرتر اطمینان بخشی کنند. افشاگری های پایداری اهداف متفاوتی نسبت به افشاگری های مالی دارند و معمولاً شامل اطلاعات مثبت تر و کیفی تری هستند. مطالعه حاضر با رویکرد کتابخانه ای-تحلیلی نظام مند، نقش ویژگی های افشاء (شکل کیفی/کمی و جهت گیری مثبت/منفی) را در کنار پدیده سبزشویی به عنوان استراتژی انتخاب گزینشی و همراه کننده اطلاعات به عنوان مکانیزم اصلی تشدیدکننده شکاف اهمیت حسابرس-استفاده کننده در گزارشگری پایداری بررسی می کند. مرور جامع ادبیات داخلی و بین المللی نشان می دهد که تغییر زمینه تصمیم گیری (گزارشگری پایداری در مقابل مالی)، جهت گیری اطلاعات (مثبت در مقابل منفی) و شکل افشاء (کیفی در مقابل کمی) بر شکاف اهمیت حسابرس-استفاده کننده تأثیر می گذارد. به طور خاص، مشاهده می شود که شکاف اهمیت برای افشاگری های کیفی-مثبت و همچنین به طور کلی برای افشاگری های پایداری افزایش می یابد. این اثر هنگامی به اوج خود می رسد که شرکت ها از ترکیب افشای کیفی و جهت گیری مثبت به عنوان ابزار سبزشویی بهره گیرند؛ زیرا حسابرسان، متکی بر مدل های اهمیت مالی سنتی، این اطلاعات را عمدتاً غیرمهم تلقی می کنند، در حالی که استفاده کنندگان به دلیل تعصب منفی گرایی قوی، حذف اطلاعات منفی را به شدت مهم ارزیابی کرده و اعتماد خود را به کل گزارش از دست می دهند. اگرچه راهنماهای کنونی اهمیت گزارشگری پایداری عمدتاً بر اهمیت موضوعی متمرکز هستند، این مطالعه شواهدی از سایر ویژگی های مهم افشاگری مبتنی بر نظریه ارائه می دهد که بر قضاوت های اهمیت تأثیر می گذارند و برای نخستین بار در ادبیات ایران، سبزشویی را به عنوان مکانیزم انتخاب گزینشی ویژگی های افشاء معرفی و مورد ارزیابی قرار می دهد.

کلیدواژه: سبزشویی، شکاف اهمیت، افشاء، گزارشگری پایداری.

تحلیل کتابشناختی پژوهش‌های اطمینان بخشی به گزارش‌های پایداری: شواهدی از پایگاه داده اسکوپوس کاوه مهرانی^۱، شیما احمدی^۲*

1. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده حسابداری و علوم مالی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران kmehrani@ut.ac.ir
2. استادیار، گروه حسابداری و حسابداری، دانشکده مدیریت و علوم مالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران Sh.ahmadi@khatam.ac.ir

چکیده

گزارشگری پایداری به عنوان سازوکاری برای افشای اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی شرکت‌ها، نقش فزاینده‌ای در ارتقای پاسخگویی بنگاه‌ها و بهبود تصمیم‌گیری ذی‌نفعان ایفا می‌کند. با گسترش استفاده از اطلاعات پایداری در ارزیابی عملکرد و ریسک شرکت‌ها، مساله قابلیت اتکای این گزارش‌ها اهمیت بیشتری یافته و حرفه حسابداری با حوزه‌ای نوظهور و چالش‌برانگیز در قالب اطمینان بخشی گزارش‌های پایداری مواجه شده است. با وجود رشد قابل توجه پژوهش‌ها در پیوند میان حسابداری و پایداری، ادبیات این حوزه همچنان با پراکندگی مفهومی و تنوع موضوعی همراه است و مرورهای جامع مبتنی بر رویکردهای محاسبه محور کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. هدف این پژوهش، ترسیم تصویری جامع از روند تحول ادبیات حسابداری و پایداری، شناسایی بازیگران اثرگذار علمی و واکاوی ساختارهای مفهومی، فکری و اجتماعی این حوزه است. بدین منظور، از رویکرد مرور ادبیات محاسبه محور و روش تحلیل کتاب‌سنجی استفاده شده است. داده‌های پژوهش از پایگاه اسکوپوس استخراج شده و مقالات منتشر شده در این حوزه طی دوره زمانی ۱۹۷۲ تا ۲۰۲۶ با بهره‌گیری از بسته Bibliometrix در محیط آر تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ادبیات حسابداری و پایداری، به‌ویژه از دهه دو هزار و ده به بعد، رشدی شتاب‌دار داشته و به تدریج از تمرکزهای اولیه بر افشای داوطلبانه و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به سمت موضوعات نهادی‌تر، از جمله اطمینان بخشی گزارش‌های پایداری و چارچوب‌های مرتبط با ESG، حرکت کرده است. همچنین نتایج بیانگر شکل‌گیری خوشه‌های دانشی متمایز، تمرکز نسبی تولید دانش در برخی مجلات و کشورها، و وجود موضوعات نوظهور و کمتر توسعه یافته است که ظرفیت قابل توجهی برای پژوهش‌های آتی فراهم می‌کند.

کلیدواژه: گزارشگری پایداری، حسابداری، اطمینان بخشی، تحلیل کتاب‌سنجی، گزارشگری غیرمالی.

تحول دیجیتال در عملکرد حسابداری داخلی: بررسی کیفی ادبیات

دکتر ندا رسولی، پارسا بهمن آبادی

¹ استادیار، دانشکده مدیریت و علوم مالی، گروه حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران، n.rasooli@khatam.ac.ir

² دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و علوم مالی، گروه حسابداری، دانشگاه خاتم،

تهران، ایران، bahmanabadiparsa@gmail.com

چکیده

هوش مصنوعی^{۱۰} بطور قابل توجهی در عملکرد حسابداری داخلی تحول ایجاد می نماید و کارایی، دقت و مدیریت داده ها را افزایش می دهد. هوش مصنوعی، حسابرسان داخلی را از طریق اتوماتیک کردن وظایف تکراری و تحلیل جامع داده ها به مشاوران استراتژیک تبدیل می کند. با این حال، پذیرش هوش مصنوعی چالش هایی مرتبط با پیچیدگی فناوری، امنیت داده ها و نیاز به مهارت های جدید را ایجاد می کند. مطالعه حاضر بر اهمیت بررسی عوامل فردی تأثیرگذار بر پذیرش هوش مصنوعی در میان حسابرسان داخلی تأکید می کند. بنابراین، دیجیتال سازی به عنوان یک اهرم کلیدی برای مدرن سازی و افزایش نقش استراتژیک حسابداری داخلی ظاهر می شود. برای بررسی این تحول، در پژوهش حاضر بررسی کیفی ادبیات انجام شد تا چگونگی تکامل یافتن دیجیتال سازی در حسابداری داخلی در سطح جهانی مشخص گردد. بررسی ها نشان داد که هم همگرایی ها و هم واگرایی ها در نحوه پذیرش ابزارهای دیجیتال در عملکردهای حسابداری داخلی وجود دارد و مسیرهای توسعه متمایز میان کشورهای توسعه یافته، اقتصادهای نوظهور و مناطق در حال توسعه برجسته شد. در نهایت، بررسی کیفی ادبیات، چارچوب تحلیلی مرتبط و نقشه برداری جغرافیایی و متنی غنی از تغییرات در حال انجام در حسابداری در عصر دیجیتال ارائه می شود.

کلید واژه: دیجیتال سازی، حسابداری داخلی، بررسی کیفی ادبیات.

¹⁰ Artificial Intelligence

مرور نظام مند تأثیر شاخص های زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) بر ریسک اعتباری بانک ها

دکتر رضوان حجازی^۱ و پویا اسدی فرد^۲

۱. استاد تمام، گروه حسابداری و حسابداری، دانشکده مدیریت و علوم مالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران

R.hejazi@khatam.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری و حسابداری، دانشکده مدیریت و علوم مالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران

Asadipouya99@gmail.com

چکیده

در سال های اخیر، شاخص های زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) به عنوان یکی از مؤلفه های نوین در تحلیل های مالی و بانکی مطرح شده اند و نقش آن ها در تبیین رفتار ریسک پذیری بانک ها مورد توجه فزاینده قرار گرفته است. با وجود اتکای سنتی نظام بانکی بر شاخص های مالی کلاسیک برای ارزیابی ریسک اعتباری، تحولات محیطی، تشدید ریسک های اقلیمی، فشارهای اجتماعی و الزامات مقرراتی نشان می دهد که این شاخص ها به تنهایی برای توضیح پایداری و ریسک واقعی بانک ها کافی نیستند. پژوهش حاضر با رویکردی مروری و نظام مند به بررسی ادبیات علمی مرتبط با تأثیر شاخص های ESG بر ریسک اعتباری بانک ها می پردازد. نتایج مرور نشان می دهد که عملکرد مطلوب تر در حوزه ESG عموماً با کاهش ریسک اعتباری، بهبود کیفیت پرتفوی تسهیلات و افزایش ثبات مالی بانک ها همراه است. همچنین شواهد حاکی از آن است که هر یک از ابعاد ESG و نیز عملکرد ESG وام گیرندگان، از مسیرهای متفاوت بر ارزیابی اعتبار و مدیریت ریسک بانکی اثر می گذارند. با این حال، رابطه ESG و ریسک اعتباری وابسته به شرایط نهادی و ساختار بازار بوده و نیازمند بررسی های دقیق تر، به ویژه در بازارهای نوظهور، است.

کلیدواژه: شاخص های ESG، ریسک اعتباری، بانک ها، مدیریت ریسک، مرور نظام مند.

تأثیر کیفیت حسابداری داخلی بر استراتژی‌های سرمایه‌گذاری با نقش تعدیلی پیچیدگی فعالیت و چرخه عمر: روش گشتاور تعمیم یافته نازنین بشیری منش^۱، مرضیه دباغی^۲

۱. دانشیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (bashirimanesh@pnu.ac.ir)

۲. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

سرمایه‌گذاری هر واحد تجاری باید با توجه به محدودیت منابع و کارا بودن آن صورت گیرد. حساب‌رسان داخلی اطلاعات بسیاری درباره شرکت‌ها دارند که این ویژگی آنها را به یک منبع با ارزش مشاوره‌ای در پروژه‌های شرکت تبدیل می‌نماید. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر کیفیت حسابداری داخلی بر استراتژی‌های سرمایه‌گذاری با نقش تعدیلی پیچیدگی فعالیت و چرخه عمر می‌پردازد. نمونه پژوهش شامل 152 شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده در دوره‌ی زمانی 7 ساله بین سال‌های 1396 تا 1402 مورد بررسی قرار گرفتند. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رویکرد گشتاور تعمیم یافته و نرم افزار استاتا استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت عملکرد حسابداری داخلی بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و معناداری دارد. واحد حسابداری داخلی با کیفیت در کنترل رفتارهای جسورانه و کیفیت تصمیم‌گیری مدیران نقش با اهمیتی داشته و منجر به کاهش مشکلات نمایندگی و افزایش ثروت سهام‌داران می‌گردد. همچنین پیچیدگی فعالیت بر ارتباط بین کیفیت عملکرد حسابداری داخلی و کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و معناداری دارد. در شرکت‌های با پیچیدگی فعالیت بالا، اهمیت و تأثیر مثبت حسابداری داخلی با کیفیت بالا بر کارایی سرمایه‌گذاری، به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد. یافته‌ها نشان داد، چرخه عمر شرکت در مرحله رشد و بلوغ بر ارتباط بین کیفیت عملکرد حسابداری داخلی و کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت دارد. ولی، چرخه عمر شرکت در مرحله افول بر ارتباط بین کیفیت عملکرد حسابداری داخلی و کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر ندارد.

کلیدواژه: کیفیت حسابداری داخلی، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری، پیچیدگی فعالیت، چرخه عمر، روش گشتاور تعمیم یافته.

واکاوی نقش اطمینان بخشی حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک های نوظهور و پایداری (ESG): ارائه چارچوب استراتژیک پیشگیری از تقلب و حکمرانی هوشمند

دکتر رضوان حجازی و علی اکبری

1. استاد تمام، گروه حسابداری و حسابرسی، دانشکده مدیریت و علوم مالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران

R.hejazi@khatam.ac.ir

2. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران

a.akbari.7067@khatam.ac.ir

چکیده

در اکوسیستم نوین تجاری سازمانها با تلاقی بی سابقه ای از ریسکهای نوظهور و الزامات فزاینده پایداری (ESG) روبرو هستند که فرآیندهای سنتی حاکمیت شرکتی را با چالشهای بنیادین مواجه ساخته است. این پژوهش با هدف تبیین نقش راهبردی حسابرسی داخلی در ارائه خدمات اطمینان بخشی و مشاوره در حوزه های مدیریت ریسکهای سایبری هوش مصنوعی تغییرات اقلیمی و گزارشگری پایداری تدوین شده است. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد مروری کیفی و سنتز نظام مند ۴۰ منبع معتبر علمی (۱۷) منبع خارجی و ۲۳ منبع داخلی جایگاه حسابرسی داخلی را در قالب به روز رسانی ۲۰۲۰ مدل سه خط انجمن حسابرسان داخلی (IIA) واکاوی میکند یافته ها نشان میدهد که حسابرسی داخلی به عنوان خط سوم دفاع، نقشی بی بدیل در کاهش شکاف اطمینان بخشی Assurance Gap و پیشگیری از تقلبهای نوین سبزشویی ایفا میکند. تحلیل هم جهتی ها و تعارضها حاکی از آن است که اگرچه ورود حسابرسان به حوزه های مشاوره ای ممکن است استقلال ظاهری او را تهدید کند اما همسویی با فناوریهای هوشمند منجر به ارتقای کیفیت حسابرسی و تحقق حکمرانی هوشمند میگردد در نهایت این مقاله یک چارچوب استراتژیک ارائه میدهد که در آن حسابرسی داخلی از یک ناظر عملیاتی به یک شریک راهبردی در خلق ارزش پایدار ارتقا می یابد.

کلیدواژه: حسابرسی داخلی اطمینان بخشی پایداری (ESG)، ریسکهای نوظهور مدل سه خط پیشگیری از تقلب حکمرانی هوشمند تردید حرفه ای امنیت سایبری هوش مصنوعی.

مطالعه تطبیقی جایگاه حسابرسی داخلی در راهبری شرکتی با الزامات بانک مرکزی

رضوان حجازی^{۱*}، سید علی رضوی^۲

۱. استاد تمام گروه حسابداری و حسابرسی، دانشکده مدیریت و علوم مالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران r.hejazi@khatam.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری رشته حسابداری، دانشکده مدیریت و علوم مالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران a.razavi.3897@khatam.ac.ir

چکیده

نظام بانکی به عنوان موتور محرک اقتصاد، سلامت و پایداری را مدیون استقرار سازوکارهای کارآمد راهبری شرکتی است. حسابرسی داخلی به عنوان یکی از ارکان حیاتی این نظام، نقشی غیرقابل انکار در ارتقای شفافیت، اطمینان بخشی و مدیریت ریسک ایفا می کند. این مقاله با هدف تبیین جایگاه حسابرسی داخلی در اکوسیستم راهبری شرکتی بانک ها و با رویکرد تطبیقی میان الزامات مقرراتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و استانداردهای بین المللی تدوین شده است. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد کاوی و تحلیل تطبیقی کمی است. در این پژوهش برای سنجش دقیق، از مدل شاخص های راهبری شرکتی بانک جهانی (World Bank, 2015)، استانداردهای انجمن حسابرسان داخلی (IIA) و پژوهش های بومی و بین المللی معتبر استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد مقررات ایران با تأکید بر نظارت مستقیم بانک مرکزی بر تأیید صلاحیت اعضا، رویکردی منحصر به فرد اتخاذ کرده است. نتایج امتیازدهی حاکی از آن است که ایران با کسب میانگین امتیاز ۶۲ درصد، در مسیر همسویی با استانداردهای جهانی قرار دارد اما در حوزه هایی نظیر مکانیزم های همکاری، حسابرسی ریسک استراتژیک و شفافیت افشا، با کشورهای پیشرو فاصله دارد. پیشنهاد مقاله بر لزوم تقویت ابزارهای اجرایی، استقلال بودجه ای و گذار از انطباق صرف به سمت کارایی عملیاتی تأکید دارد.

کلیدواژه: حسابرسی داخلی، راهبری شرکتی، الزامات مقرراتی، نظارت بانک مرکزی، مدل سه خطی جدید.

مدل یکپارچه ارزیابی عملکرد فعالیت حسابرسی داخلی

علی صفری طاهرخانی^۱، غلامرضا حسن بالائی^۲

۱. کارشناسی ارشد مدیریت مالی، بانک پاسارگاد، a.safaritaherkhani@bpi.ir

۲. مدیر ارشد حسابرسی داخلی، بانک پاسارگاد، gh.hb@bpi.ir

چکیده

حسابرسی داخلی نقشی مهم و حیاتی در حاکمیت شرکتی و عملیات سازمان ایفا می کند. از سوی دیگر، تحول نقش حسابرسی داخلی از یک کارکرد صرفاً کنترلی به نقشی راهبردی و ارزش آفرین، ضرورت بهره گیری از مدل های جامع، ساختاریافته و قابل سنجش برای ارزیابی عملکرد و سطح بلوغ این حرفه را دوچندان ساخته است. استانداردهای جدید مؤسسه حسابرسان داخلی^{۱۱} (IIA) تأکید ویژه ای بر اندازه گیری عملکرد، کیفیت، پاسخگویی و ارزش آفرینی حسابرسی داخلی دارند. با این حال، در بسیاری از سازمان ها هنوز ابزار یکپارچه ای که بتواند این الزامات را به صورت کمی، مستندمحور و قابل مقایسه پوشش دهد، طراحی و استقرار نیافته است. از این رو، تعیین معیارهای مناسب برای اندازه گیری عملکرد در حوزه فعالیت حسابرسی داخلی، امری اساسی در جهت تحقق اهداف و مأموریت های این فعالیت محسوب می شود.

هدف این پژوهش، طراحی و ارائه یک مدل یکپارچه ارزیابی عملکرد و بلوغ حسابرسی داخلی مبتنی بر استانداردهای جهانی حسابرسی داخلی^{۱۲} (GIAS-2024) و رهنمودهای بین المللی مؤسسه حسابرسان داخلی (IIA) با تأکید بر ابزارهای حرفه ای سنجش عملکرد است. مدل پیشنهادی مشتمل بر ۷ شاخص اصلی و ۲۶ محور ارزیابی بوده و از قابلیت کاربرد برای ارزیابان مستقل، مدیران ارشد حسابرسی داخلی و کمیته های حسابرسی برخوردار است. این مدل می تواند به عنوان ابزاری مؤثر در راستای بهبود مستمر عملکرد و ارتقای جایگاه و اثربخشی فعالیت حسابرسی داخلی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه: حسابرسی داخلی، ارزیابی عملکرد، استانداردهای جهانی حسابرسی داخلی، کیفیت حسابرسی داخلی

* تهران - خیابان ولیعصر - بلوار میرداماد - پلاک 430 - طبقه سوم - مدیریت امور بازرسی و حسابرسی داخلی بانک پاسارگاد | کد پستی: 1969774511 - تلفن:

02182891256

¹¹ Institute of Internal Auditors (IIA)

¹² Global Internal Audit Standards (GIAS-2024)

تأثیر فرهنگ سازمانی بر اثربخشی حسابرانی داخلی

علی صفری طاهرخانی^۱، زانیار میرزایی^۲، نگار حقی^۳

۱. کارشناسی ارشد مدیریت مالی، بانک پاسارگاد، a.safaritaherkhani@bpi.ir

۲. کارشناسی ارشد حسابرانی، بانک پاسارگاد، z.mirzaei@bpi.ir

۳. کارشناسی ارشد حسابداری مدیریت، بانک پاسارگاد، n.haghi@bpi.ir

چکیده

با درک چگونگی تأثیر فرهنگ سازمانی بر عملکرد، رویه‌ها و اخلاق حسابرانی، ذی‌نفعان می‌توانند به صورت مشارکتی در جهت ارتقای صداقت، پاسخ‌گویی و شفافیت در حرفه حسابرانی گام بردارند و در نتیجه، اعتماد و اطمینان عمومی را تقویت کنند. این پژوهش با بهره‌گیری از مرور جامع ادبیات موضوع به بررسی نتایج آخرین مطالعات بین‌المللی صورت گرفته در رابطه با تأثیر فرهنگ سازمانی بر اثربخشی فرآیندهای حسابرانی داخلی در سازمان‌ها می‌پردازد و رابطه پیچیده میان فرهنگ کاری و نتایج حسابرانی داخلی را بررسی می‌کند.

یافته‌های پژوهش‌های بین‌المللی نشان می‌دهند که وجود فرهنگ سازمانی قوی، با ویژگی‌هایی همچون هنجارهای اخلاقی، شفافیت و پاسخ‌گویی، اثربخشی حسابرانی داخلی را با تقویت اعتماد، رعایت مقررات و همکاری میان کارکنان افزایش می‌دهد. در مقابل، فرهنگ ضعیف یا ناکارآمد می‌تواند اثربخشی حسابرانی داخلی را با ایجاد موانع در ارتباطات، همکاری و رعایت قوانین کاهش دهد.

این مطالعه، اهمیت پرورش فرهنگ حمایتی که با اهداف حسابرانی همسو باشد را برای بهینه‌سازی نتایج حسابرانی داخلی و ارتقای موفقیت سازمانی برجسته می‌کند. این بینش‌ها به درک عمیق‌تر مکانیسم‌هایی که از طریق آن‌ها فرهنگ سازمانی بر اثربخشی حسابرانی داخلی تأثیر می‌گذارد کمک کرده و پیامدهای عملی برای سازمان‌هایی که به دنبال بهبود عملکرد حسابرانی داخلی و افزایش تاب‌آوری سازمانی هستند، ارائه می‌دهد.

کلیدواژه: اخلاق حرفه‌ای، فرهنگ سازمانی، اثربخشی حسابرانی داخلی، نظریه نمایندگی.

چشم انداز تحول و ارزش آفرینی حسابرسي داخلی در عصر فناوری های نوظهور و زیست بوم دیجیتال حسن زارع محله

1. دکترای حرفه ای مدیریت عالی بانک، بانک سپه HassanZareMahalleh@Yahoo.Com

چکیده

در عصر تحول دیجیتال و ظهور ریسک های نوظهور، نقش حسابرسي داخلی به طور بنیادین در حال تغییر است. این مقاله با تحلیل چندبعدی شامل ارزش آفرینی، فرهنگ سازمانی، رهبری اخلاقی، مدل سه خطی IIA، فناوری های نوظهور، پیشگیری از تقلب و نظام مدیریت کیفیت، چارچوبی یکپارچه برای ارتقای اثربخشی و جایگاه راهبردی حسابرسي داخلی ارائه می دهد. یافته ها نشان می دهد که ارزش واقعی حسابرسي داخلی تنها از طریق هم افزایی میان راهبرد، فناوری، مهارت ها، فرهنگ و حاکمیت داده ایجاد می شود. همچنین، بهره گیری هوشمندانه از ابزارهای تحلیلی و هوش مصنوعی، توسعه مهارت های آینده محور و استقرار نظام مدیریت کیفیت، از عوامل کلیدی در افزایش اثربخشی و ایجاد اعتماد در سازمان است. چارچوب پیشنهادی این مقاله، حسابرسي داخلی را از یک نقش نظارتی سنتی به عامل فعال و ارزش آفرین در هدایت استراتژی و مدیریت ریسک سازمان تبدیل می کند. این رویکرد می تواند به سازمان ها کمک کند تا تصمیمات راهبردی بهتر، ریسک های نوظهور را مدیریت و تاب آوری سازمان را ارتقا دهند.

کلیدواژه: حسابرسي داخلی، ارزش آفرینی، مدل سه خطی IIA، هوش مصنوعی، پیشگیری از تقلب، حاکمیت داده، مهارت های آینده، کیفیت حسابرسي.

حسابرسی داخلی و بهبود فرآیند گزارشگری مالی بانکها با تأکید بر نقش نظارتی و تنظیم گری بانک مرکزی رضوان حجازی ، امید نصیری زاد

استاد تمام گروه حسابداری و حسابرسی دانشگاه خاتم r.hejazi@khatam.ac.ir
دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه خاتم omidnasirizad@gmail.com

چکیده

گزارشگری مالی شفاف و قابل اتکا یکی از ارکان اساسی ثبات و سلامت نظام بانکی محسوب می شود. در سالهای اخیر، افزایش پیچیدگی فعالیتهای بانکی گسترش فناوریهای مالی و تشدید الزامات نظارتی نقش حسابرسی داخلی را در تضمین کیفیت گزارشگری مالی پررنگ تر کرده است. هدف این مقاله تبیین تأثیر حسابرسی داخلی بر بهبود فرآیند گزارشگری مالی بانکها با تأکید بر نقش نظارتی و تنظیم گری بانک مرکزی است. پژوهش حاضر از نظر ماهیت مفهومی تحلیلی و با رویکرد انتقادی انجام شده و مبتنی بر مرور نظام مند ادبیات علمی و حرفه ای در حوزه حسابرسی داخلی گزارشگری مالی و نظارت بانکی است. نتایج پژوهش نشان میدهد که حسابرسی داخلی اثر بخش از طریق تقویت کنترلهای داخلی مدیریت ریسک ارتقای انطباق با مقررات و بهبود کیفیت اطلاعات مالی نقش مهمی در بهبود فرآیند گزارشگری مالی بانکها ایفا می کند. همچنین بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر و قانون گذار با تدوین مقررات استانداردها و سازوکارهای نظارتی مناسب می تواند زمینه ارتقای جایگاه و کارایی حسابرسی داخلی را فراهم سازد. در پایان چارچوب مفهومی تعامل میان حسابرسی داخلی گزارشگری مالی و نقش نظارتی بانک مرکزی بر اساس مطالعات تطبیقی انجام شده و مقررات موضوعه ارائه می شود.

واژگان کلیدی: حسابرسی داخلی گزارشگری مالی نظارت و تنظیم گری بانکی، بانک مرکزی

نقش رهبری اخلاقی و فرهنگ سازمانی در پذیرش حسابرسی چابک شایان پژوهش

1. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی - بازاریابی، شرکت نرم افزاری داتیس آراین قشم (داتین) shayanpazhooesh1@gmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر، تغییرات سریع محیط کسب و کار و افزایش پیچیدگی فرآیندهای سازمانی، نیاز به تحول در شیوه‌های سنتی حسابرسی را بیش از پیش برجسته کرده است. «حسابرسی چابک» به عنوان رویکردی نوین، با تأکید بر انعطاف‌پذیری، تعامل مستمر با ذی‌نفعان و پاسخ‌گویی سریع به ریسک‌ها، توانسته است توجه بسیاری از سازمان‌ها و واحدهای حسابرسی داخلی را به خود جلب کند. با این حال، پیاده‌سازی موفق این رویکرد صرفاً وابسته به ابزارها و روش‌های فنی نبوده، بلکه عوامل رفتاری و سازمانی نقش تعیین‌کننده‌ای در پذیرش آن دارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر رهبری اخلاقی و فرهنگ سازمانی بر پذیرش و استقرار حسابرسی چابک انجام می‌شود. در این مطالعه، رهبری اخلاقی به عنوان عاملی کلیدی در ایجاد اعتماد، شفافیت و مسئولیت‌پذیری در میان کارکنان حسابرسی در نظر گرفته می‌شود و فرهنگ سازمانی به عنوان بستری که رفتارهای مشارکتی، یادگیری مستمر و انعطاف‌پذیری را تسهیل می‌کند، تحلیل می‌گردد. انتظار می‌رود یافته‌های این پژوهش نشان دهد که وجود رهبران اخلاق‌محور و فرهنگ سازمانی حمایت‌گر، مقاومت کارکنان را در برابر تغییر کاهش داده و زمینه‌ی پذیرش و اجرای اثربخش حسابرسی چابک را فراهم می‌آورد. نتایج تحقیق می‌تواند راهنمایی ارزشمند برای مدیران حسابرسی داخلی در مسیر تحول و بهبود عملکرد باشد.

کلید واژه: حسابرسی چابک، فرهنگ سازمانی، رهبری اخلاق، پذیرش تغییر.

ارزش آفرینی و نقش راهبردی حسابرسی داخلی فرایند محور مبتنی بر ریسک محمد علی باقرپور ولاشانی^۱، ریحانه حقیقی^۲

۱. استاد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران - bagherpour@um.ac.ir

۲. دکتری حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، مشهد، ایران - Re.haghighi@mail.um.ac.ir

چکیده

هدف این مقاله، ارائه و تبیین یک چارچوب مفهومی و مدلی یکپارچه برای طراحی و بکارگیری حسابرسی داخلی مدرن است که بر دو رکن اساسی "فرآیند محوری" و "رویکرد مبتنی بر ریسک" استوار بوده و هدف غایی آن "ارزش آفرینی و ایفای نقش راهبردی در سازمان" می باشد. در دهه های اخیر، نقش حسابرسی داخلی از یک فعالیت صرفاً تطبیقی و کنترلی به یک شریک استراتژیک و ارزش آفرین برای مدیریت ارشد تغییر یافته است. این تغییرایجاب نموده که نگرش و مدل های سنتی حسابرسی داخلی به نحوی تغییر یافته که نه تنها به ایفای فعالیت های اطمینان بخشی و ارائه مشاوره به مدیریت پرداخته بلکه با ورود به حوزه های راهبری و نظارتی کلان سازمان ارزش آفرینی بیشتری را به همراه داشته باشد. این چارچوب و مدل با رویکردی تحلیلی و با بهره گیری از استاندارد های جهانی حسابرسی داخلی^{۱۳} (2024)، چارچوب یکپارچه: کنترل داخلی کوزو (2013)، مدیریت ریسک سازمانی - یکپارچه سازی با استراتژی و عملکرد کوزو (2017) و تجارب عملیاتی و حرفه ای نویسندگان، باتوجه به شرایط خاص ایران تدوین گردیده است. مزیت اصلی و ویژگی منحصر به فرد آن خلق ارزش کلیدی برای سازمان از طریق تلفیق رویکرد فرآیند محور با نگرش مبتنی بر ریسک در طراحی و بکارگیری حسابرسی داخلی می باشد. این مدل یکپارچه، با تمرکز بر ریسک های کلیدی در تمامی فرآیندهای کسب و کار، به جای بررسی واحدهای سازمانی به صورت مجزا، به شناسایی نقاط مستعد بهبود، بهبود کنترل ها و تقویت ساختار حاکمیت شرکتی کمک شایانی می نماید. بکارگیری این مدل نه تنها به مدیریت سازمان ها در ارزش آفرینی بیشتر از طریق تمرکز بر حوزه های با ریسک بالا کمک نموده بلکه باعث افزایش کارایی و اثربخشی حسابرسی داخلی می گردد.

کلید واژگان: حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک، حسابرسی فرآیند محور، خلق ارزش، حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک، کنترل داخلی.

¹³ Global Internal Audit Standards

ارائه مدلی کیفی از ارزش آفرینی حسابرسی داخلی و همسویی آن با انتظارات ذی نفعان در چارچوب راهبری شرکتی علیرضا فیض بخش کلیسرانی

۱. کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، بازرس ارشد اداره کل بازرسی بانک ملی ایران

Ali_reza_fbk@yahoo.com

چکیده

هدف از این پژوهش ارائه مدلی کیفی از ارزش آفرینی حسابرسی داخلی و همسویی آن با انتظارات ذی نفعان در چارچوب راهبری شرکتی بوده است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، کیفی است. جامعه آماری را ۱۲ نفر از حسابرسان داخلی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران تشکیل دادند که بیش از ۵ سال سابقه شغلی در این زمینه داشته و دارای مدرک بیش از کارشناسی ارشد بودند؛ افراد بصورت هدفمند و تا اشباع نظری انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته گردآوری و با استفاده از رویکرد نظریه داده بنیاد و طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی در محیط نرم افزاری MaxQDA مورد تحلیل قرار گرفت. براساس یافته‌ها ۷ مقوله شناسایی شد. مدل استخراج شده بیانگر یک فرآیند پویا و سیستمی است که در آن، حسابرسی داخلی با دریافت فعال انتظارات (شرایط علی)، تنظیم راهبردهای تعاملی و فناوریانه (راهبردها)، و با تکیه بر بستر حاکمیتی مناسب (شرایط زمینه‌ای) و غلبه بر موانع فرهنگی (شرایط مداخله‌گر)، به خلق ارزش چندبعدی (پدیده محوری) می‌پردازد که پیامد آن، اثربخشی سازمانی و افزایش رضایت ذینفعان است.

کلیدواژه: ارزش آفرینی، حسابرسی داخلی، انتظارات ذی نفعان، راهبری شرکتی.

بررسی تأثیر بکارگیری سیستم‌های رایانه‌ای بر کیفیت حسابداری در شرکت‌های معدنی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار رضا پیرایش، حامد رستگاریا، محمد بیگدلی

1. دانشیار گروه مدیریت دانشکده علوم انسانی دانشگاه زنجان ایران r-pirayesh@znu.ac.ir
2. کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی دانشکده علوم انسانی دانشگاه زنجان ایران hamed.rastegar@znu.ac.ir
3. کارشناس ارشد مدیریت دولتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه زنجان ایران Mohammadbigdeli@znu.ac.ir

چکیده

کیفیت حسابداری، یکی از موضوعات با اهمیت در حوزه حسابداری و بازار سرمایه است. مطالعات گوناگونی توسط محققان انجام شده تا رابطه بین کیفیت حسابداری و متغیرهای دیگر کشف شود که یکی از این متغیرها سیستم‌های رایانه‌ای است. هدف این تحقیق بررسی تأثیر بکارگیری سیستم‌های رایانه‌ای حسابداری بر کیفیت حسابداری در شرکت‌های معدنی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش، جزء پژوهش‌های توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر 625 نفر از کارشناسان و مدیران و حسابرسان شرکت‌های روی زنجان می‌باشند. روش‌های گردآوری اطلاعات، شامل مطالعه سوابق و مدارک و شیوه پیمایشی بوده است. در این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته جهت سنجش متغیرهای کیفیت حسابداری، زیرساخت‌های سیستم‌های رایانه‌ای، بروز رسانی سیستم‌های رایانه‌ای و اعمال کنترل‌های مناسب، آموزش و عملکرد حاصل از زیرساخت‌های سیستم‌های رایانه‌ای به عنوان ابزار اصلی گردآوری داده‌ها استفاده شده است که پایایی همه متغیرها با استفاده از ضریب الفای کرونباخ بررسی و مورد تایید قرار گرفته و عموماً از 0/7 بالاتر بوده است. به منظور بررسی اعتبار ابزار نیز از روش بررسی اعتبار صوری و بررسی نظر اساتید فن استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که ضریب همبستگی بین زیرساخت‌های سیستم‌های رایانه‌ای بر کیفیت حسابداری 0/601 بود، آموزش و عملکرد حاصل از زیرساخت‌های سیستم‌های رایانه‌ای بر کیفیت حسابداری 0/703 بود. دو متغیر بروز رسانی سیستم‌های رایانه‌ای و اعمال کنترل‌های مناسب در آن بر کیفیت حسابداری دارای ضریب 0/571 می‌باشد. براساس نتایج، فرضیه‌های تحقیق مورد تایید قرار گرفتند.

واژه‌های کلیدی: زیرساخت‌های سیستم‌های رایانه‌ای، بروز رسانی سیستم‌های رایانه‌ای، اعمال کنترل‌های زیر ساخت، کیفیت حسابداری.

طراحی و ارزیابی چارچوب استفاده از هوش مصنوعی مولد در فرآیند تحلیل ریسک و برنامه ریزی حسابداری داخلی: مطالعه موردی مهرداد رشیدی

1. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران mdad.r@yahoo.com

چکیده

با پیشرفت سریع فناوری‌های هوش مصنوعی مولد و ظهور ابزارهایی نظیر ChatGPT و perplexity، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای بهبود فرآیندهای حسابداری داخلی فراهم شده است. این پژوهش با هدف طراحی و ارزیابی چارچوبی کاربردی برای استفاده از هوش مصنوعی مولد در فرآیند تحلیل ریسک و برنامه ریزی حسابداری داخلی انجام شده است. روش پژوهش از نوع آمیخته (کیفی-کمی) بوده و با استفاده از مصاحبه با خبرگان، بررسی اسناد و مطالعه موردی در یک سازمان مالی، داده‌های لازم گردآوری شد. چارچوب پیشنهادی شامل پنج مرحله اصلی است: تحلیل محیط کسب و کار و شناسایی ریسک‌ها، رتبه‌بندی و اولویت‌بندی ریسک‌ها، طراحی برنامه حسابداری مبتنی بر ریسک، تخصیص منابع و زمان‌بندی، و نظارت و بازنگری مستمر. نتایج پیاده‌سازی نشان داد که استفاده از GenAI منجر به کاهش ۴۵ درصدی زمان تحلیل ریسک، افزایش ۳۵ درصدی تعداد ریسک‌های شناسایی شده و بهبود ۴۰ درصدی دقت اولویت‌بندی ریسک‌ها شد. همچنین، کیفیت برنامه حسابداری از نظر جامعیت و هماهنگی با اهداف استراتژیک سازمان بهبود یافت. یافته‌ها حاکی از آن است که اگرچه GenAI ابزاری قدرتمند است، اما موفقیت آن مستلزم حاکمیت داده مناسب، آموزش کافی حسابرسان و نظارت انسانی مستمر می‌باشد. این مطالعه چارچوبی عملیاتی برای سازمان‌ها جهت بهره‌برداری از قابلیت‌های هوش مصنوعی مولد در ارتقای اثربخشی و کارایی حسابداری داخلی ارائه می‌دهد.

کلیدواژه: هوش مصنوعی مولد، حسابداری داخلی، تحلیل ریسک، برنامه ریزی حسابداری، GenAI، چارچوب کاربردی.

تحول حسابداری با هوش مصنوعی: واکاوی گریز ناپذیری و چالش‌های دیجیتالی سازی حسابداری

اکبر کنعانی^۱، مهدیه بخشیان^۲، سمیه امینی خضرو^۳، رضا علی نژاد^۴، روح‌الله وحیدی^۵

۱: گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران akbar.kanani@iau.ir

۲: دانشجوی دکتری حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران shinyconsience1377@gmail.com

۳: دانشجوی دکتری حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران s.s.amini@gmail.com

۴: دانشجوی دکتری حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران arasvand@gmail.com

۵: دانشجوی دکتری حسابداری، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران vahidi1384@gmail.com

چکیده

تحول دیجیتال در حرفه حسابداری و حسابداری، با پذیرش فناوری هوش مصنوعی (AI) شتاب چشمگیری یافته است. تلفیق هوش مصنوعی در فرآیند حسابداری، فرصتی را برای افزایش کارایی، دقت و عمق تحلیل داده‌های مالی فراهم می‌آورد. با این حال، پیاده‌سازی هوش مصنوعی چالش‌هایی نظیر امنیت داده‌ها، پاسخگویی، ریسک سوگیری، تغییر فرهنگ سازمانی و انطباق با مقررات را به همراه دارد. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر فرآیند حسابداری، مزایای بالقوه آن و همچنین چالش‌های اصلی در پیاده‌سازی آن می‌پردازد. این تحقیق با استفاده از رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی، به واکاوی اسناد پژوهشی و تجارب موجود در این حوزه می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهند که اگرچه هوش مصنوعی پتانسیل متحول ساختن فرآیند حسابداری در نظام مالی ایران را دارد، اما برای مقابله با چالش‌هایی همچون امنیت داده‌ها، پاسخگویی و الزامات قانونی بومی، تلاش‌های نظام‌مندی مورد نیاز است. این پژوهش بینش‌های ارزشمندی را برای سازمان‌ها و متخصصان حسابداری در جهت بهره‌گیری مؤثر از هوش مصنوعی ارائه کرده و حوزه‌های اولویت‌دار در توسعه سیاست‌های آتی را شناسایی می‌کند.

کلیدواژه: حسابداری؛ حسابداری؛ تحول دیجیتال؛ هوش مصنوعی (AI).

تحول نقش حسابرسی داخلی در عصر دیجیتال (2019 تا 2025): مرور سیستماتیک بر جایگاه هوش مصنوعی، تحلیلگری داده ها و اقدامات امنیت سایبری

مهدیه بخشیان^{۱*}، ابراهیم نویدی عباسپور^۲، سمیه امینی خضرو^۳، رضا علی نژاد^۴

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری (نویسنده مسئول)، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران Shinyconsience1377@gmail.com

^۲ استادیار حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران navidi@iau.ir

^۳ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران s.s.amini@gmail.com

^۴ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران arasvand@gmail.com

چکیده

شتاب روزافزون تحول دیجیتال، سبب بازتعریف مرزهای سنتی حسابرسی داخلی شده و تمرکز آن را از نظارت صرفاً مبتنی بر رعایت، به یک کارکرد راهبردی تغییر داده است. این تغییر موجب ارتقای راهبری شرکتی، مدیریت ریسک و تاب آوری سازمانی می گردد. پژوهش حاضر، مروری نظام مند است که به بررسی تحول نقش حسابرسی داخلی در عصر دیجیتال با تأکید ویژه بر ادغام هوش مصنوعی، تحلیلگری داده ها و شیوه های امنیت سایبری می پردازد. این مطالعه با بهره گیری از روش شناسی پرسمما، جستجوی ساختاریافته ای را در پایگاه های اسکوپوس و گوگل اسکولار انجام داد که منجر به بازیابی ۱۱۶ پیشینه پژوهشی گردید. پس از اعمال معیارهای دقیق ورود و خروج، ۳۰ مطالعه تجربی داوری شده که بین سال های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۵ منتشر شده بودند، جهت ارائه بینش های جامع ترکیب و تحلیل شدند. یافته ها نشان می دهند که هوش مصنوعی و خودکارسازی رباتیک فرآیندها به طور فزاینده ای برای خودکارسازی وظایف تکراری حسابرسی به کار گرفته می شوند؛ امری که موجب آزادشدن ظرفیت حسابرسان برای تمرکز بر فعالیت های مبتنی بر قضاوت، ارزیابی های پیش نگرانه ریسک و کشف پیشرفته تقلب می گردد. تحلیلگری پیشرفته داده ها نیز از آزمون های صد درصدی جامعه، نظارت مستمر و کشف ناهنجاری ها پشتیبانی کرده و از این طریق، دقت، قابلیت اتکا و به موقع بودن نتایج حسابرسی را افزایش می دهد. هم زمان، گسترش زیرساخت های دیجیتال و تهدیدات سایبری، امنیت سایبری و راهبری فناوری اطلاعات را به ستون های حیاتی حسابرسی داخلی بدل کرده است؛ موضوعی که حسابرسان را ملزم می سازد تا کنترل های دیجیتال، راهبردهای تاب آوری سایبری و آمادگی سازمانی را در برابر ریسک های نوظهور ارزیابی کنند. این مرور، همچنین بر تحول شایستگی های حسابرسان تأکید می کند؛ به طور کلی، حسابرسی داخلی در عصر دیجیتال تنها به اطمینان بخشی مالی محدود نمی شود، بلکه به یک شریک راهبردی تبدیل شده است که در تصمیم گیری های سازمانی، ارزش آفرینی و راهبری پایدار نقش ایفا می کند.

کلیدواژه: حسابرسی داخلی، عصر دیجیتال، هوش مصنوعی، تحلیلگری داده ها، امنیت سایبری، نوآوری در حسابرسی، فناوری در حسابرسی، مدیریت ریسک، راهبری شرکت.

نقش حسابداری داخلی در کاهش ریسک های بالقوه با استفاده از هوش مصنوعی

رویا دارابی، محمد کاظم کرونی

1. استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب Roya darabi @ yahoo.com
2. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب st_mk_korooni@azad.ac.ir

چکیده

فناوری های هوش مصنوعی امروزه تقریباً در هر زمینه ای از جمله حقوقی، اخلاقی، امنیتی و غیره مورد استفاده قرار می گیرند. خطرات ناشی از این جنبه ها باعث شده است که قابلیت اطمینان کاربردهای هوش مصنوعی زیر سوال برود و مقرراتی در زمینه هوش مصنوعی قابل اعتماد وضع شود، برای هوش مصنوعی قابل اعتماد کنترل این سیستم ها مورد توجه قرار گرفته است. وقتی از این منظر به مساله نگریسته شود حسابرسان داخلی سهم قابل توجهی در کسب و کارهای مرتبط با هوش مصنوعی قابل اعتماد خواهند داشت. حسابداری داخلی می تواند با ارائه خدمات مشاوره ای به مدیریت ارشد در مورد خطرات احتمالی این سیستم ها در زمان نصب برنامه های هوش مصنوعی در کسب و کارها و با انجام حسابداری داده ها و الگوریتم های برنامه های هوش مصنوعی خدمات اطمینان بخشی ارائه دهد. در این زمینه هدف مطالعه، حسابداری هوش مصنوعی قابل اعتماد و سهم فعالیت حسابداری داخلی در کسب و کارها در این زمینه تعیین شد و از روش تحلیل توصیفی برای این هدف استفاده شد. حسابرسان داخلی می توانند با حسابداری فعالیت های کنترل داخلی ایجاد شده توسط کسب و کار در مورد برنامه های هوش مصنوعی و ارائه مشاوره در ارزیابی ریسک سیستم های هوش مصنوعی به کسب و کارها ارزش افزوده دهند.

کلیدواژه: حسابداری داخلی، هوش مصنوعی حسابداری الگوریتم حسابداری داده ها.